

تسنگ

شماره ویژه دی و بهمن ۱۳۹۴ - پرونده اقتصادی ایران



اقتصاد ایران در دی ماه /

سعید قاسمی نژاد - یوحنا نجدی

از عامه گرایی احمدی نژاد تا عامه گرایی روحانی: ائتلاف منابع در
توزیع دولتی کالا و خدمات / مجید محمدی

نه، فضای ایران در حال باز شدن نیست /
ان اپلبام

هر آنچه سخت است و استوار
دود می شود و به هوا می رود

تلنگر

پرونده اقتصادی / طرح جلد از جواد تکجو

صاحب امتیاز:

مرکز مطالعات لیبرالیسم

آدرس اینترنتی تلنگر:

<http://bamdadkhabar.com>/تلنگر

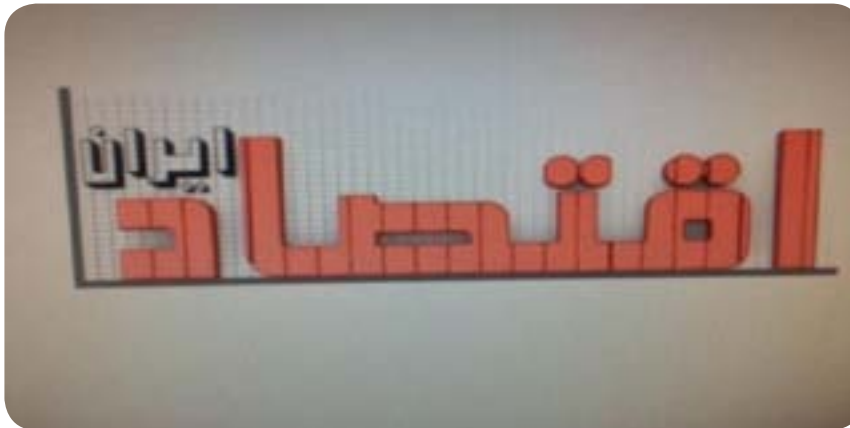
در این شماره می خوانید:

اقتصاد ایران در دی ماه: از تعطیلی یک پنجم واحدهای صنعتی تا دعوت دولت از "بسیج" برای حضور در طرح های عمرانی /صفحه ۴
از عامه گرایی احمدی نژاد تا عامه گرایی روحانی: اتلاف منابع در توزیع دولتی کالا و خدمات /صفحه ۱۰

کنگره امریکا باید جلوی همکاری سرمایه گذاران خارجی با سپاه پاسداران را بگیرد /صفحه ۱۳

سهم سپاه از تجارت مواد مخدر /صفحه ۱۵

اقتصاد ایران در دی‌ماه: تعطیلی یک پنجم واحدهای صنعتی هم‌زمان با کاهش چشم‌گیر بهای نفت



یوحنا نجدی - سعید قاسمی نژاد

افزایش بهای ارز و طلا، عقب‌ماندگی شدید ایران در عرصه‌ی حمل و نقل صادراتی در بنادر، ادامه‌ی مجادله‌ی میان شورای شهر و شهرداری تهران بر سر حسابرسی از شهرداری و همچنین غیراستاندارد بودن محصولات بیش از ۱۲۰ هزار واحد تولیدی از دیگر خبرهای مهم اقتصادی نیمه‌ی نخست دی‌ماه امسال بود.

حسابرسی از شهرداری تهران؛ پشیمانی "دبیر" از رأی به قالیباف

موضوع حسابرسی از شرکت‌های زیرمجموعه "شهرداری تهران" در سال ۱۳۹۲ همچنان با مجادله‌ی کلامی میان اعضای این دو نهاد همراه بوده است.

در کی‌آی‌آر آخرین موارد، علیرضا دبیر، رییس "کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر" روز ۱۵ دی‌ماه در یک نشست خبری گفت که «حجم تخلفات در شهرداری تهران به قدری بالاست» که «نمی‌توان در مقابل آن سکوت کرد» و «شهردار تهران باید پاسخ‌گویی وضع موجود باشد».

آقای دبیر که زمانی از همراهان نزدیک شهردار کنونی تهران به شمار می‌رفت با تأکید بر این که قالیباف را «مسئول این همه بی‌انضباطی مالی» می‌داند، افزود: «اگر این حجم تخلفات را می‌دانستم به قالیباف برای شهردار شدن در این دوره رأی نمی‌دادم».



دو هفته‌ی آغازین زمستان امسال، آّبستن خبرهای خوبی برای اقتصاد ایران نبود به گونه‌ای که بهای نفت ایران با افتی شدید، به یکی از ارزان‌ترین نفت‌ها در بازارهای جهانی تبدیل شد.



وی تاکید کرد: «هیچ وقت منکر رشوه و تخلف نیستیم... امکان ندارد موردی از رشوه معلوم شود و برخورد شدید و اخراج و تنبیه نشود.»

انتظار می‌رود که در روزهای پیش رو، با استمرار کشمکش میان اعضای این دو نهاد، رفته‌رفته موارد دیگری از تخلف‌های گسترده در شهرداری تهران افشا شود.

استمرار رکود اقتصادی؛ صدای مجلس هم درآمد

بخش‌های مختلف اقتصاد ایران در نیمه اول دی ماه امسال همچنان با استمرار رکود بی‌سابقه‌ای مواجه بودند.

از جمله، «مرکز آمار ایران» روز ۱۴ دی ماه با انتشار گزارشی مربوط به «پروانه‌های ساختمانی صادر شده توسط شهرداری‌های کشور در تابستان سال ۱۳۹۴» از ادامه رکود در این بخش مهم از اقتصاد کشور خبر داد.

بر پایه این گزارش، در پروانه‌های صادرشده برای احداث ساختمان از سوی شهرداری تهران در تابستان گذشته، در مجموع ۱۷۵۸۳ واحد مسکونی پیش‌بینی شده است که این رقم، نسبت به فصل گذشته حدود ۴/۱۲ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته حدود ۳/۲۱ درصد کاهش داشته است.

آمارهای این مرکز همچنین حاکی از آن است که تعداد واحد مسکونی در پروانه‌های صادرشده برای احداث ساختمان از سوی شهرداری‌های کشور نیز نسبت به فصل گذشته حدود ۱/۸ درصد کاهش یافته است.

در همین حال، «بانک مرکزی» نیز روز ۷ دی ماه با انتشار گزارشی، مربوط به شاخص‌های عمده اقتصادی در بهار امسال، رکود در اقتصاد ایران را پذیرفت. این گزارش با اشاره به اینکه «میزان سرمایه‌گذاری در واحدهای صنعتی در فصل بهار امسال به ۱۹۸ هزار میلیارد ریال رسیده»، می‌افزاید که این رقم نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷/۲۳ درصد کاهش یافته است. این در حالی است که در این مدت، «حجم بدهی دولت به بانک مرکزی

این عضو «شورای شهر تهران» در توضیح یکی از موارد تخلف مالی در شهرداری تهران، از «پاداش ۳۸۰ میلیارد تومانی به پلیس راهور» خبر داد و گفت: «شهرداری نگفت که این پاداش به چه منظور و چه زمانی و بر چه اساسی ارایه شده است چرا که ما برای پلیس راهور بودجه لازم را منعقد کرده‌ایم.»

با این حال، مهدی چمران، «رئیس شورای اسلامی شهر تهران» که از حامیان قالیباف در شورا محسوب می‌شود، با اتخاذ موضعی میانه، «فساد» را بحثی «پیچیده» و «شرعی» دانست و گفت «به همین سادگی نمی‌شود افرادی را متهم کرد.»

از سوی دیگر، رئیس «کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری» این شورا روز ۱۴ دی ماه با افشای موارد دیگری از تخلفات گسترده در «شهرداری تهران» گفت که اگرچه «طبق قانون، درآمدهای شرکت‌های شهرداری باید به حسابی که با مجوز مصوبه شورای شهر تهران افتتاح می‌شود، واریز گردد» اما این درآمدها «به حساب دیگری واریز شده که مصوبه شورا را ندارد.»

رحمت‌الله حافظی همچنین با اشاره به فروش نیم‌بهای زمینی به ارزش ۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان توسط شهرداری به «تعاونی کارکنان تاکسی‌رانی» پرسید: «آیا شهردار تهران اختیار این میزان تخفیف را دارد و آیا زمین واگذارشده با همان کاربری ساخته شده است یا نه؟»

این در حالی است که محمدباقر قالیباف، «شهردار تهران» در یکی از آخرین موضع‌گیری‌های خود درباره این پرونده جنجالی، شامگاه ۱۲ دی ماه با حضور در یک برنامه تلویزیونی ضمن دفاع شدید از عملکرد مجموعه تحت مدیریتش مدعی شد که دوره کنونی، «شفاف‌ترین دوره مالی» شهرداری تهران است و «هیچ جرم اقتصادی» در آن اتفاق نیفتاده است. وی با طرح این پرسش که «مگر پاداش میلیاردی ممکن است؟»، ادامه داد: «نداریم. اگر موردی باشد بنده مطلع شوم، بازرسی و نظارت داریم، دستگاه‌های نظارتی داریم و اگر مطلع شویم برخورد شدید می‌کنیم.»

با ۶/۳۴ درصد رشد به ۲۴ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان و حجم بدهی دولت به بانک‌ها با ۵/۲ درصد رشد به حدود ۱۰۳ هزار میلیارد تومان رسیده است».

در همین حال، رسانه‌های حکومتی در ایران، روز اول دی ماه از نامه اعتراضی ۱۰۰ نماینده مجلس شورای اسلامی به حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی در خصوص استمرار رکود اقتصادی خبر دادند.

این نمایندگان، که در میان آنها، اسامی اعضای «کمیسیون اقتصادی» مجلس نیز به چشم می‌خورد، هشدار دادند که «رکود عمیق و بی‌سابقه اکثر بخش‌های اقتصادی کشور را به تعطیلی کشانده است».

عقب‌ماندگی شدید ایران در حمل و نقل صادراتی در بنادر

مقام‌های مسوول در جمهوری اسلامی هم‌چون ماه‌های گذشته، در نیمه اول دی‌ماه نیز موارد متعددی از عقب‌ماندگی، کمبود اعتبار و تعطیلی در بخش‌های مختلف اقتصاد و صنعت این کشور را بازگو کردند.

روز ۱۵ دی‌ماه، «معاون سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران» از تعطیلی «۱۹ درصد واحدهای صنعتی» در کشور خبر داد و گفت که حتی «مابقی واحدهای صنعتی نیز در ظرفیت‌های کامل کار نمی‌کنند».

به گفته غلام‌رضا سلیمانی، طبق برآوردهای نهاد متبوعش، واحدهای صنعتی در سال گذشته با کمبود نقدینگی به مبلغ ۱۸۰ هزار میلیارد تومان مواجه بوده‌اند.

دو روز پیش از آن نیز یک مقام مسوول در «وزارت صنعت، معدن و تجارت» از عقب‌ماندگی بی‌سابقه ایران در حمل و نقل صادراتی دنیا خبر داد.

ولی‌الله افخمی‌راد، توان عملیاتی بنادر ایران را «بسیار پایین‌تر از استانداردهای جهانی» توصیف کرد و گفت «در سال ۲۰۱۴ توان عملیاتی بنادر ایران ۵ میلیون و ۱۶۳ هزار TEU (واحد شمارش کانتینر) بوده» در حالی که همین رقم «در امارات

میلیون TEU و در چین ۱۸۲ میلیون TEU است».

وی همچنین با بیان اینکه «مدت زمان تخلیه و بارگیری در تایوان بالغ بر ۵ ساعت، مالزی ۳ ساعت و در جبل‌علی امارات ۴ ساعت است»، افزود که این زمان در ایران «۴ روز و ۹ ساعت و ۴۵ دقیقه» است.

رئیس کل «سازمان توسعه تجارت ایران» با تاکید بر اینکه «هزینه‌های بندری در بنادر جنوبی ایران نیز قابل مقایسه با دنیا نیست»، خاطر نشان کرد که در «بندر شهیدرجایی»، هزینه بندری به ازای هر کانتینر به «۴۳ دلار» می‌رسد در حالی که «این هزینه در راس‌الخیمه و فجیره امارات، ۱۳ دلار و در بندر سلاله عمان ۷ دلار است».

روز سوم دی‌ماه نیز «معاون نظارت بر اجرای استاندارد سازمان ملی استاندارد ایران» اعلام کرد که «وضعیت استانداردسازی در کشور رضایت‌بخش نیست».

وحید مرندی‌مقدم با تاکید بر اینکه «وضعیت مطلوبی در زمینه استانداردسازی در کشور نداریم و رسالت خود را اجرا نکرده‌ایم»، اظهار داشت که «در کشور بیش از ۱۲۰ هزار واحد تولیدی وجود دارد که زیر پوشش سازمان استاندارد قرار ندارند».

دو روز پیش از این اظهارات نیز وزیر «راه و شهرسازی» در نامه‌ای به رئیس «سازمان مدیریت» با اشاره به وقفه ایجادشده در اختصاص قیر مورد نیاز طرح‌های عمرانی در کشور، نسبت به «توقف کامل عملیات اجرایی» این طرح‌ها هشدار داد.

عباس آخوندی از محمدباقر نوبخت خواست که «۱۱۲۰ میلیارد تومان اعتبار باقی‌مانده‌ی تکالیف قانونی برای تامین قیر طرح‌های عمرانی»، هرچه زودتر تامین شود.

نفت ایران؛ ارزان‌ترین نفت جهان

در حالی که انتظار می‌رود تحریم‌های جهانی علیه صادرات نفت ایران با اجرایی شدن توافق هسته‌ای به زودی برداشته شود، کاهش کم‌سابقه‌ی بهای جهانی نفت

به پیش تر در روز دوم دی ماه، حسن روحانی در سخنانی در شهری واقع در جنوب تهران با ابراز نگرانی از کاهش چشم گیر بهای نفت گفته بود: «مادر شرایطی هستیم که راهی هم جز کاهش اتکای بودجه به درآمدهای نفتی نداشتیم.»

به نظر می رسد که استمرار کاهش شدید بهای نفت، طی ماه های پیش رو نیز همچنان بسیاری از بخش های اقتصاد ایران را تحت تاثیر قرار خواهد داد. یکی از اصلی ترین دغدغه های کنونی حکومت ایران تبدیل شده است.

بر پایه آمارهای منتشر شده از معاملات نفتی منتهی به ۲۵ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی (۴ دی ۱۳۹۴)، قیمت هر بشکه نفت سنگین صادراتی ایران با کاهشی ۶۴ سنتی به کمتر از ۲۸ دلار و ۴۰ سنت رسید تا شاخص نفت سنگین صادراتی ایران به یکی از ارزان قیمت ترین نفت های خام موجود در بازار تبدیل شود.

در همین خصوص، اسحاق جهانگیری، «معاون اول دولت ایران» روز ۱۲ دی ماه در اظهاراتی گلایه آمیز گفت: «برخی می گویند با فروش نفت ۳۰ دلاری کشور از رکود هم خارج شود. انصاف هم چیز خوبی است.»

به گزارش خبرگزاری «فارس»، وی با بیان اینکه «در گذشته (دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد) نفت ۱۰۰ دلاری را فروختند و حتی یک دلار هم ذخیره برای این دولت نگذاشتند»، افزود: «حالا با نفت ۳۰ دلاری عده ای می گویند چرا کشور را از رکود خارج نمی کنید.»

«بانک مرکزی جمهوری اسلامی» نیز روز ۷ دی ماه در گزارشی اعلام کرد که درآمدهای نفتی کشور در بهار امسال به ۱۰ میلیارد و ۶۳۳ میلیون دلار رسید که این رقم، نسبت به بهار سال گذشته حدود ۶۰ درصد کاهش یافته است.

ارز و طلا گران شدند

بهای دلار امریکا از ۳۶۳۰ تومان در اول دی ماه با اندکی افزایش به ۳۶۶۰ تومان در نیمه ی این ماه رسید. بهای یورو نیز از ۳۹۸۰ به ۴۲۰۰ تومان افزایش یافت.

قیمت سکه تمام بهار آزادی از ۹۲۵ هزار تومان با افزایشی قابل توجه به ۹۴۰ هزار تومان رسید و بهای سکه نیم بهار آزادی هم از ۴۷۶ هزار به ۴۸۰ هزار تومان افزایش پیدا کرد.

شاخص بورس نیز در پایان معاملات روز سه شنبه ۱۵ دی ماه در کانال ۶۲۰۵۵ واحدی به کار خود پایان داد. بازار بورس در این روز، در مجموع، روند مثبتی را از سر گذراند و با رشد ۳۲۷ واحدی به ارتفاع ۶۲ هزار واحد صعود کرد.

در همین خصوص، حمیدرضا مهرآور، مدیرعامل «کارگزاری بانک سامان»، با این اینکه «در حال حاضر اتفاق و خبر خاصی در بازار رخ نداده» به خبرگزاری ایسنا گفت: «تنها ارزندگی سهم و قیمت های پایین شرکت ها در کنار خوش بینی به لغو تحریم ها، موجب روند مثبت در بورس شده است.»

وی از فعالان بازار بورس خواست که «هیجانی» نشوند.

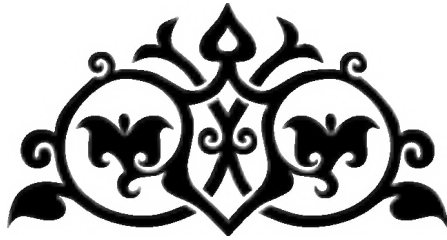
جدیدترین وعده های دولت برای مقابله با بیکاری

تنها یک روز بعد از ابراز نگرانی حسن روحانی، رییس جمهوری اسلامی از نرخ بیکاری در کشور، جدیدترین آمارهای بیکاری در ایران منتشر شد.

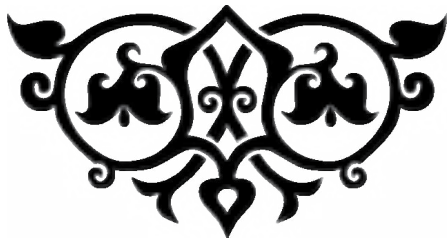
«مرکز آمار ایران» روز ۲۹ دی ماه با انتشار گزارشی درباره وضعیت بازار کار ایران در پاییز امسال، نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در کشور را ۷/۱۰ درصد اعلام کرد. بر اساس این گزارش، نرخ بیکاری در پاییز امسال در مقایسه با فصل تابستان ۲/۰ درصد کاهش یافته اما در مقایسه با پاییز سال گذشته با ۲/۰ درصد افزایش روبه رو شده است.

آن گونه که «مرکز آمار ایران» اعلام کرده، شمار بیکاران ایران در پاییز سال جاری به بیش از دو میلیون و ۶۴۶ هزار نفر رسیده است.

بر اساس برخی گزارش‌ها شماری از این صرافان در صدد «مقاومت در برابر مأموران بودند» که سرانجام «با مداخله پلیس» مغازه‌های آنها نیز پلمپ شد.



حل مشکل بیکاری از جمله
مهم‌ترین وعده‌های حسن روحانی
در جریان انتخابات ریاست
جمهوری سال ۱۳۹۲ به شمار
می‌رفت



کمبود دستگاه ایکس‌ری در گمرک کشور برای جلوگیری از قاچاق کالا

رییس «ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز» روز ۲۵ دی ماه در سخنانی گفت که «در دیگر کشورها قاچاق برای مواردی هم‌چون اسلحه و مواد مخدر و قاچاق انسان صورت می‌گیرد»، اما «در ایران شاهد قاچاق کالاهای مجاز و هم‌چنین کالاهای غیرمجاز هستیم».

حیب‌الله حقیقی با انتقاد از کمبود «دستگاه‌ها و تجهیزات و فناوری‌های نوین از جمله دستگاه ایکس‌ری» افزود که «در استان بوشهر از ۱۳ گمرک، فقط یک گمرک دارای دستگاه ایکس‌ری است».

به گفته وی، اگرچه «روزانه چهار هزار کالای کانتینری در گمرک شهید رجایی هرمزگان وارد می‌شود» اما «تنها دستگاه ایکس‌ری این گمرک می‌تواند حدود ۲۰۰ کانتینتر را کنترل کند» و به این ترتیب، «حدود ۳۸۰۰ کانتینتر بدون کنترل ترخیص می‌شود».

تنها یک روز پیش از انتشار این گزارش، رییس جمهوری اسلامی در سخنانی در همایش «اجرای برجام، فصلی نو در اقتصاد ایران» از «بیکاری» و هم‌چنین «رکود» و «نبود رونق» به عنوان «اصلی‌ترین مشکل ایران» یاد و آمارهای مربوط به بیکاری در میان جوانان به خصوص «زنان تحصیل کرده» را «تکان‌دهنده» توصیف کرد.

علی ربیعی، وزیر «کار، تعاون و رفاه اجتماعی» نیز دیگر سخنران این همایش بود که با «فروتن» توصیف کردن دولت یازدهم گفت: «معنای فروتنی این است که ما ضعف‌های بسیاری داریم و این ضعف‌ها را مردم و جامعه می‌دانند. بنابراین باید بر روی مسائلی هم‌چون بیکاری و بهبود فضای کسب و کار به یک اجماع عمومی برسیم.» وی با بیان این که «نرخ بیکاری را تک‌رقمی خواهیم کرد»، گفت که این امر با توجه به «ظرفیت‌های اقتصادی» موجود در کشور «امکان‌پذیر» است.

حل مشکل بیکاری از جمله مهم‌ترین وعده‌های حسن روحانی در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ به شمار می‌رفت اما با گذشت دو سال و نیم از روی کار آمدن دولت یازدهم، نرخ بیکاری در ۲۱ استان کشور هم‌چنان دو رقمی باقی مانده است.

ادامه پلمپ صرافی‌های «غیرمجاز»

فرمانده «نیروی انتظامی» روز ۲۹ دی ماه اعلام کرد که ارگان تحت امرش با «با صرافی‌های غیرمجاز برخورد می‌کند».

حسین اشتری گفت «با درخواست بانک مرکزی و هماهنگی با تعزیرات حکومتی، محل‌های غیرمجاز خرید و فروش سکه و ارز شناسایی» و «بسیاری از آنها پلمپ شده‌اند».

یک روز پیش از آن، خبرگزاری «صداوسیما» گزارش داد که مأموران بازرسی «سازمان تعزیرات حکومتی» و «بانک مرکزی» شماری از «صرافی‌های فاقد مجوز» واقع در چهارراه استانبول و خیابان فردوسی تهران را پلمپ کرده‌اند.

در خبری دیگر در خصوص قاچاق و فساد در ایران، رییس "سازمان امور اراضی ایران" روز ۱۶ دی ماه در گفتگویی با خبرگزاری "تسنیم"، وابسته به سپاه پاسداران، از "کمبود هتل" و "نبود خدمات عمومی در مناطق گردشگری" به عنوان "دلیل عمده زمین خواری در کشور" یاد کرد.

قباد افشار با انتقاد از "روند ساخت ویلا در مناطق شمالی ایران" و "نبود امکانات گردشگری" در این مناطق افزود که «۵۰ درصد هتل های ایران در شهر مشهد ساخته شده است».

لایحه بودجه ۹۵ در مجلس شورای اسلامی

حسن روحانی، رییس جمهوری اسلامی روز ۲۷ دی ماه و تنها ساعاتی پس از آغاز اجرای توافق هسته‌ای میان ایران و قدرت های غربی، لایحه بودجه سال آینده و هم چنین برنامه ششم توسعه را به مجلس شورای اسلامی ارائه داد.

وی که در مجلس شورای اسلامی حضور یافته بود، درباره علت تاخیر در ارائه این لایحه به مجلس با اشاره به تقارن «زمان ارائه لایحه با زمان اجرایی شدن توافق هسته‌ای» گفت «دولت صلاح نمی‌دید لایحه بودجه را که بر اساس فرض رفع تحریم‌ها تدوین کرده بود پیش از عملی شدن رفع تحریم‌ها به مجلس ارائه کند».

در لایحه بودجه سال آینده، قیمت هر بشکه نفت ۴۰ دلار و قیمت هر دلار آمریکا ۲۹۹۷ تومان در نظر گرفته شده است. در خبری در خصوص صنعت نفت ایران، رییس انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت روز ۲۲ دی ماه از "خالی" و "بدون استفاده ماندن" حدود ۷۰ درصد ظرفیت ساخت سازندگان و صنعتگران داخلی این صنعت خبر داد.

رضا پدیدار با بیان اینکه «هم‌اکنون از ظرفیت ساخت داخل به طور کامل استفاده نمی‌شود»، گفت «حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد ظرفیت سازندگان داخلی، خالی و بدون استفاده مانده است».

در همین زمینه، خبرگزاری "مهر" نیز روز ۲۰ دی ماه با انتشار گزارشی نوشت که «با سقوط قیمت نفت و بالا بودن ظرفیت تولید نفت کوره، اکثر پالایشگاه های نفت کشور زیان ده شده اند» و به اعتقاد مسوولان "وزارت نفت"، در صورت عدم حمایت های دولتی "ورشکست" می شوند.

این گزارش می‌افزاید که در حال حاضر، «به استثنای "پالایشگاه نفت شازند اراک"، تمامی پالایشگاه های کشور زیان ده هستند».

عباس کاظمی، مدیرعامل "شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی" نیز «با تایید زیان ده بودن اکثر پالایشگاه های نفت کشور»، علت آن را نه کاهش قیمت نفت خام که افزایش تولید مازوت عنوان کرد.

کاهش چشم گیر بهای نفت در بازارهای جهانی، اقتصاد وابسته به نفت جمهوری اسلامی را با چالش عمیقی مواجه کرده است. از سوی دیگر، به دنبال برداشته شدن تحریم های جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران، قیمت نفت در بازارهای جهانی در روز ۲۸ دی ماه به کمتر از ۲۸ دلار رسید. این رقم، پایین ترین سطح بهای نفت از سال ۲۰۰۳ تاکنون به شمار می‌رود.

تقاضای معاون اول روحانی از بسیج برای حضور در طرح های عمرانی

اسحاق جهانگیری، "معاون اول رییس جمهوری اسلامی" روز ۲۸ دی ماه با اشاره به اعلام آمادگی رییس "سازمان بسیج مستضعفان" مبنی بر مشارکت در کارهای عمرانی و اقتصادی، گفت: «بسیج از توانمندی خوبی در زمینه های مختلف برخوردار است و می تواند در طرح های عمرانی کشور نقش آفرین باشد.» وی که در جلسه "ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی" سخن می گفت، همچنین خواستار تشکیل "کارگروهی برای بررسی راهکارهای استفاده از توانمندی های بسیج" شد و افزود: «البته باید نحوه مشارکت و سازوکار همکاری بسیج با دولت بررسی شود تا بر این اساس

بتوانیم از توانمندی‌های بسیج بهتر استفاده کنیم.» پیش از این سخنان، محمدرضا نقدی، رییس "سازمان بسیج مستضعفان" نیز در این جلسه گفته بود که «بسیج امروز نیز از توانمندی و ظرفیت‌های فراوانی برخوردار است و به صورت جدی آماده مشارکت در طرح‌های عمرانی و جهادی کشور است.»

از سوی دیگر، علی طیب‌نیا، "وزیر اقتصاد" دولت حسن روحانی، "اقتصاد مقاومتی" را "راهبرد اصلی دولت در شرایط پساتحریم" اعلام کرد و گفت: «مصمم هستیم برنامه‌های اجرایی اقتصاد مقاومتی را به صورت دقیق عملیاتی کنیم.»

"اقتصاد مقاومتی" از جمله عبارات مورد علاقه علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی است و وی بارها از این عبارت گنگ به عنوان راهبرد اقتصادی ایران در دوران تحریم‌های جهانی یاد کرده است.

حضور صدها "روحانی" در برنامه‌های آب و فاضلاب

"مشاور وزیر نیرو" در دولت حسن روحانی روز ۲۳ دی ماه از "اهتمام ویژه" این وزارتخانه برای "اجرای برنامه‌های فرهنگی آب و فاضلاب" خبر داد و گفت بدین منظور، «۷۰۰ روحانی در این مجموعه نماز جماعت برگزار می‌کنند.»

حجت‌الاسلام علی یزدان‌پرست تأکید کرد که در این وزارتخانه «برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای برای استفاده از توان روحانیون در مدیریت مصرف آب و برق انجام شده است.» "مسئول امور فرهنگی وزارت نیرو" همچنین با تأکید بر آنچه که "سبک زندگی اسلامی" خواند، ادامه داد: «مردم نگرش‌های زیادی نسبت به نوع زندگی دارند که شیوه زندگی اسلامی از بهترین نوع زندگی است.» به گفته وی، «سبک خیابان‌ها و نظافت در آن‌ها نیز باید اسلامی بوده و تمامی مردم باید ملزم به رعایت آن شوند.»

تردد بیش از ۱۲۰ هزار کامیون فرسوده در جاده‌های ایران

عباس آخوندی، "وزیر راه و شهرسازی" روز ۲۲ دی ماه در جریان دیدار با گرهارد شرودر، "صدر اعظم پیشین آلمان" خواستار حضور شرکت‌های آلمانی در بخش‌های مختلف راه‌سازی و حمل و نقل ایران شد و گفت: «قطعا در این راه دوستان آلمانی مان کمک زیادی به ما خواهند کرد.»

وی با اشاره به فرسودگی ناوگان جاده‌ای در ایران گفت که «بیش از ۱۲۵ هزار کامیون بالای ۲۵ سال در جاده‌های ایران تردد می‌کنند که باید نوسازی شوند.»

آقای آخوندی افزود که «میانگین سن هواپیماهای ما ۲۲ سال است که باید جوان شود.»

در خبری دیگر در همین خصوص، دبیر "کارگروه حمل و نقل جاده‌ای استان اصفهان" روز ۱۹ دی ماه از تردد روزانه ۱۴۰۰ تریلر حامل مواد خطرناک از جاده‌های این استان خبر داد.

فرزاد دادخواه هشدار داد که تردد این تریلرها «خطرات بسیاری از جمله، برخورد تریلر حامل قیر و تریلر حامل گاز مایع در محور اصفهان-نابین و تریلر حامل گازوییل با خودرو سواری در محور اصفهان-اردستان را شامل می‌شود که خسارات و خطرات بسیاری را در بحث ترافیک به همراه خواهد داشت.»

بهای ارز و طلا در سراسر ایشی

در نیمه دوم دی، بهای دلار امریکا از ۳۶۶۰ تومان به ۳۵۸۰ تومان کاهش یافت و بهای یورو نیز از ۴۱۰۰ تومان به ۳۹۳۰ تومان رسید. قیمت سکه تمام‌بهار آزادی از ۹۴۶ هزار تومان در نیمه دی ماه به ۹۲۸ هزار تومان در پایان این ماه رسید و بهای سکه نیم‌بهار آزادی از ۴۸۰ هزار به ۴۶۶ هزار تومان کاهش پیدا کرد. شاخص کل بورس تهران نیز که بعد از آغاز اجرای توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی با قدرت‌های غربی، با رفتار هیجانی سهامداران حدود هزار واحد رشد کرده بود، در معاملات روز ۳۰ دی ماه از روند هیجانی خود کاست و با قرار گرفتن در نیمه ۶۶ هزار واحد، به استقبال بهمن ماه رفت.

از عامه‌گرایی احمدی‌نژاد تا عامه‌گرایی روحانی: اتلاف منابع در توزیع دولتی کالا و خدمات



مجید محمدی

این دولت همچنین به توزیع پول نقد در سفرهای استانی و تحت عنوان جایگزین یارانه‌ها می‌پرداخت. این سیاست‌ها برای آشتی میان دولت و ملت در شرایط سرکوب شدید انجام می‌گرفت و برای بیان این نکته که دولت غمخوار تغذیه یا رفاه مردم است.

دولت روحانی نیز تا کنون چندین بار بسته‌های مواد غذایی مجانی میان برخی از اقشار توزیع کرده است (آخرین آن‌ها در آذر ۱۳۹۴). این دولت دو روز از سال را با دادن سوبسید به سالن‌های سینما برای عموم مردم مجانی کرد با این توجیه که می‌خواهد میان مردم و سینما آشتی دهد گویی که مردم از سر لج‌بازی با سینما قهر کرده‌اند.

یکی از بارزترین تصمیمات عامه‌گرایانه‌ی دولت، برنامه‌های کوتاه‌مدت تحت عنوان «برنامه تسریع خروج از رکود» یا پرداخت وام خرید کالا به ۳۵۰ هزار ایرانی است. نمونه‌ی این تصمیمات طرح فروش اقساطی خودرو با فرض فروش صد هزار دستگاه با پرداخت ۲۵ میلیون تومان تسهیلات برای هر خودرو است که طی آن، رقمی حدود ۲۵۰۰ میلیارد تومان از منابع بانک مرکزی تحت پوشش خط اعتباری و به اسم مدیریت منابع بانک‌ها به جامعه تزریق شد.

نمونه‌ی دیگر، توزیع کارت‌های اعتباری تا سقف ۱۰ میلیون تومان برای خرید کالای داخلی است. این سیاست‌های عامه‌گرایانه چه تاثیری دارد؟ آیا به



دولت احمدی‌نژاد در اوج درآمدهای نفتی و بلاخص در دوران انتخابات به توزیع سب‌زمینی مجانی در کشور اقدام می‌کرد تا اقشار فقیر را به حمایت از خود جلب کند.



کشاورزان و سینماداران و سینماگران و خودروسازان و مردم عادی کمکی کرده و خواهد کرد؟

چهار ویژگی عامه گرایی

عامه گرایی یا پوپولیسم چهار ویژگی عمده دارد:

نخست آن که بر امور پر سر و صدا در جامعه متمرکز است مثل مجانی کردن تماشای فیلم در سالن‌های سینما یا مجانی کردن مترو در روزهایی از سال یا دادن ساندیس و کیک در تظاهرات و توزیع برنج و روغن مجانی در فروشگاه‌های مناطق پرجمعیت. این امور، صف‌های طولانی درست می‌کند و سر-و-صدای‌شان در رسانه‌ها منعکس می‌شود در حالی که اگر دولت مثلاً همه‌ی معلولان را تحت بیمه‌ی بهداشت و درمان قرار دهد یا کارت غذا به اقشار کم‌درآمد بدهد این سر و صدا ایجاد نمی‌شود.

دوم آن که عامه گرایی به دنبال اهداف کوتاه‌مدت است و نه اهداف میان‌مدت و بلندمدت. همه‌ی سینماگران و کشاورزان و اقشار آسیب‌پذیر ایرانی می‌دانند که دو روز سینمای مجانی یا چند روز سیب‌زمینی مجانی یا یک سبد کالای مجانی یا دور روز متروی مجانی هیچ مشکلی را از کشاورزی یا تغذیه یا فرهنگ و هنر و جیب مردم کم‌درآمد کشور حل نمی‌کند. آن‌ها حتی می‌دانند که مجانی شدن تماشای برخی فیلم‌ها یا برخی کالاها به فروش کالاها دیگر ضرر می‌رساند و در بازار ایجاد اختلال می‌کند.

سوم آن که عامه گرایی نتیجه تمرکز حکومت بر تبلیغات سیاسی است و نه پیروی از سیاست‌های تعیین‌شده در گروه‌های کارشناسی. هیچ کارشناس سینما یا کشاورزی کشور، نسخه‌هایی مثل سینمای مجانی یا سیب‌زمینی مجانی یا متروی مجانی را نمی‌پیچد. توزیع سبد کالا نیز اگر از سوی برخی کارشناسان پذیرفته شود در برابر سیاست بدتر توزیع پول نقد است. در هیچ گزارش مراکز تحقیقاتی کشور توصیه نشده است که باید یک کالا را به طور مجانی عرضه کرد یا دولت برای خرید کالا وام بدهد. این اقدامات نتیجه‌ی تصمیمات

عجولانه و تبلیغات‌محور مدیران اجرایی است. و چهارم آنکه با ایجاد تقابل مصنوعی میان توده و نخبگان، یا مردم و کارشناسان، نظرات و ایده‌های مبتنی بر تحقیق و آینده‌نگری را به حاشیه می‌راند. عامه‌گرایان، چنان در مورد نظرات کارشناسی سخن می‌گویند که گویی کارشناسان، همه در خدمت کارفرمایان و صاحبان شرکت‌ها هستند و ایده‌های آن‌ها از منافع‌شان بر می‌خیزد. امروز اگر کسی با سیب‌زمینی مجانی یا سینمای مجانی یا سبد مجانی کالا و نحوه‌ی توزیع آن، که بخشی از عملیات ایجاد سر-و-صدا است، مخالفت کند از نگاه عامه‌گرایان به مقابله با توده و رفاه همگانی متهم می‌شود.

پنهان کردن مشکلات واقعی

مشکل مجانی کردن سیب‌زمینی و سینما و سبد کالا و مترو آن است که مشکلات واقعی در پس پرده‌ی رونق و رفاه مصنوعی پنهان خواهد ماند. به عنوان نمونه، مشکل سینمای ایران عدم توان مردم در پرداخت بلیط سینما نیست؛ مشکل در:

سانسور شدید فیلم‌ها و حتی فیلم‌های مجوزدار (تا حد توقیف شدن ۲۰۰ فیلم دارای مجوز ساخت و تولید شده در ۸ سال دولت احمدی‌نژاد)، تزریق بودجه‌های دولتی به خودی‌های حکومت در دولت‌های متفاوت،

نظارت چندلایه و نفس‌گیر (از تصویب فیلمنامه تا مجوز ساخت و از مجوز اکران تا مجوز پوستر)،

محدویت نمایش فیلم‌های خارجی و غیر رقابتی کردن صنعت سینما در کشور، و محدود کردن سینماگران ایرانی در تعامل با دنیای خارج است.

در کشوری که هرگونه اتومبیل خارجی لوکس و گران‌قیمت با توجیه رقابتی کردن بازار، وارد می‌شود چرا نباید فیلم‌های خارجی روز و عامه‌پسند (با اتکا بر نظریه‌ی توطئه در این مورد تحت عنوان تهاجم فرهنگی) به نمایش درآیند؟ به دلیل همین سیاست‌های رانتی، تمرکزگرایانه و محدودکننده است که سالن‌های سینما از ۴۵۰ در سال

در داستان سینما نیز تصور مدیران دولتی این است که مجانی کردن سینما برای دو روز به احتمال زیاد توجیه کننده‌ی اختصاص صدها میلیارد تومان بودجه‌های فرهنگی به نزدیکان دولت و سفارشی‌های بیت و خامنه‌ای خواهد بود.

بسیاری از شهروندان و کارشناسان، همچنان که با نگاه کردن به سیب‌زمینی، ائتلاف درآمدهای نفتی (از طریق فساد و امتیاز و خروج سرمایه و سهم‌برداری قدرتمندان) را فراموش نکردند و نمی‌کنند (حتی اگر سیب‌زمینی‌ها یا سبب کالا را بگیرند) با رفتن دو روز به سینما بدون پرداخت برای بلیط، ائتلاف منابع دولتی در ساخت فیلم‌های سفارشی یا جشنواره‌های قرانی و مداحی‌ها را هم از یاد نخواهند برد.

دولت احمدی نژاد نیز سیاست سینمای مجانی را با عرضه‌ی بلیط فیلم‌های خودی‌ها به مراکز دولتی و حکومتی دنبال می‌کرد. اما دولت روحانی این عرضه‌ی بلیط را همانند سیب‌زمینی مجانی به کوچه و خیابان آورد.

ائتلاف منابع

نه تنها ارائه‌ی کالای مجانی با تخصیص منابع دولتی و به شکل توده‌وار، ائتلاف است بلکه به ائتلاف هم منجر می‌شود. همان‌طور که سیب‌زمینی‌های مجانی در دوران احمدی نژاد زیر پای مردم در خیابان‌ها و میدان‌ها له می‌شد سالن‌های سینمای کشور نیز در هجوم افراد به آن‌ها خسارات زیادی متحمل شدند که در نهایت از کیسه‌ی خود آن‌ها خارج می‌شود.

دولت در اینجا مقصر اصلی است چون زمینه‌ی ائتلاف منابع عمومی را فراهم کرده است. سبب کالای مجانی به جای راه‌اندازی چرخ صنعت و تولید و اشتغال، دولت را به حد یک خیریه و آشپزخانه‌ی سوپ مجانی تقلیل می‌دهد. کالاهای مجانی یا ارزان‌قیمت سوبسیدی نیز برای مصرف‌کنندگان به سرعت به محمولی برای دورریزی تبدیل می‌شود (مثل نان که همیشه دورریز آن در ایران بالا بوده است).

۱۳۵۷ (برای ۳۵ میلیون نفر) به حدود ۲۰۰ سالن فعال در سال ۸۹ (برای ۷۵ میلیون نفر) کاهش یافت. ۴۰۰ شهر کشور با جمعیت بالای ۱۰۰ هزار نفر سالن سینما ندارد (تابناک، ۲۱ بهمن ۱۳۸۸).

فروش ۱۰۰ هزار خودروی بی‌کیفیت که بدون وام‌های دولتی خریده نمی‌شدند چه کمکی به حمل‌و-نقل کشور غیر از آلودگی بیشتر می‌کند؟

مشکل تغذیه‌ی مردم ایران نیز با توزیع سیب‌زمینی یا سبب کالا حل نمی‌شود. کنترل تورم بالای ۶۰ درصدی اقلام خوراکی در یک دوره، افزایش قدرت خرید مردم، کنترل کیفیت مواد غذایی (با جلوگیری از واردات غذاهای آلوده مثل برنج یا گوشت)، جبران کمبودهای غذایی کودکان در مناطق فقیر، و ایجاد شغل در بخش کشاورزی بالاخص با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌هاست که مشکل تغذیه‌ی مردم را حل می‌کند. دولتی که امروز یک جنگ تمام‌عیار در سوریه را حمایت مالی می‌کند، منشا فساد و سوءاستفاده است و هزینه‌ی دیوان‌سالاری دینی بسیار پرهزینه و سلطنتی را تماماً می‌پردازد با توزیع سیب‌زمینی یا سبب کالا (برنج و روغن و دیگر مایحتاج عمومی) به پنهان کردن مشکل واقعی می‌پردازد.

«همه‌اش را می‌خورند، به جز»

همان‌قدر که توزیع سیب‌زمینی مجانی به رونق تولید و توزیع سیب‌زمینی یا دیگر محصولات کشاورزی در ایران کمک نکرده است سینمای مجانی نیز چنین کارکردی نخواهد داشت.

دولت احمدی نژاد با دادن سیب‌زمینی مجانی ائتلاف حدود ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی در دوران خود را برای مردم فقیر کوچه و بازار توجیه می‌کرد چون تصور بر این بود که مردم فکر می‌کنند «اگر دولت‌های قبلی همه‌اش را می‌خورند این دولت حداقل یک سیب‌زمینی مجانی می‌دهد». مفروض بودن فساد در ایران به داروهایی مثل کالاهای مجانی برای دلخوش کردن گروه‌هایی از مردم منجر شده است.

کنگره امریکا باید جلوی همکاری سرمایه‌گذاران خارجی با سپاه پاسداران را بگیرد



امانوئل اتولنگی - سعید قاسمی نژاد

اگرچه این موضوع که ایران آخرین بازار بزرگ و دست‌نخورده محسوب می‌شود امری بسیار وسوسه‌برانگیز است، اما از آنجایی که سپاه پاسداران جمهوری اسلامی مالک و کنترل‌کننده اکثریت شرکت‌های سهامی عام این کشور است، قانون‌گذاری در ایالات متحده برای مجازات سرمایه‌گذاری‌هایی که موجب منفعت بردن سپاه پاسداران از این هجوم سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود، گامی ضروری است.

سپاه پاسداران سابقه چشمگیری از سرمایه‌گذاری در بازار بورس تهران دارد که شامل سهام قابل توجهی در ۱۴ شرکت سهامی عام می‌شود. به علاوه، اکثریت سهام ۱۳ شرکت سهامی عام دیگر نیز در مالکیت سپاه، نیروی ارتش، و بسیج است (نیروی شبه‌نظامی که بخش قابل توجهی از نقض حقوق بشر در ایران به آن نسبت داده می‌شود). در مجموع، این ۲۷ شرکت، ۲۲ درصد ارزش بازار بورس تهران را تشکیل می‌دهند و ۸/۱۵ میلیارد دلار ارزش گذاری شده‌اند.

به همین دلیل، کنگره ایالات متحده باید هزینه‌ی سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی را که سپاه پاسداران سهام‌دار آن‌ها است، از طریق اعمال تحریم بر سرمایه‌گذاران بالا ببرد. میزان تشخیص این که آیا شرکت‌های ایرانی تحت مالکیت سپاه هستند یا خیر نباید ۵۰ درصد یا ۲۰ درصد سهام باشد، بلکه هر درصدی بالاتر از صفر به معنای کنترل آن شرکت توسط سپاه پاسداران است. در بسیاری موارد، فرماندهان سابق سپاه



کمتر از یک سال پس از
معامله‌ی هسته‌ای میان ایران و
شش قدرت جهانی، هفته‌ی
گذشته دولت اوپاما و اتحادیه
اروپا تحریم‌های‌شان علیه تهران
را برداشتند. در تدارک رفع
تحریم‌ها، جمهوری اسلامی
در ماه‌های اخیر برای کشاندن
سرمایه‌گذاران خارجی به بازار
بورس تهران به تلاشی جدی
دست زده است.



پاسداران که هرگز مورد تحریم قرار نگرفته‌اند عضو هیأت‌مدیره‌ی این شرکت‌ها هستند و در نتیجه، شرکت را به نفع سپاه هدایت می‌کنند. به علاوه مالکیت سهام، موجب درآمد می‌شود و سرمایه‌گذاری خارجی در این شرکت‌ها می‌تواند ارزش سهام آن‌ها را بالا برده منجر به افزایش درآمد سپاه پاسداران شود.

حضور سپاه پاسداران در بخش خودروسازی یکی از شواهد این امر است. ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی اتومبیل در خاورمیانه محسوب می‌شود. از خط تولید تا خدمات پس از فروش، صنعت خودروسازی ایران به طور مستقیم و غیرمستقیم، ۸۴۰ هزار کارمند دارد و دومین صنعت بزرگ کشور پس از بخش انرژی محسوب می‌شود. سپاه پاسداران در پنج شرکت خودروسازی موجود در بازار بورس تهران دارای سهام است: گروه بهمن، تراکتورسازی ایران، گروه صنعتی تراکتورسازی ایران، موتورسازان دیزل و بنزین، و صنایع ریخته‌گری ایران.

گروه "بهمن" سومین سازنده‌ی بزرگ خودرو در ایران، و دارای مجوز تولید اتومبیل‌های مزدا برای بازار داخلی ایران است. در حال حاضر، ارزش بورس آن حدود ۲۵۰ میلیون دلار است. این گروه، کنترل ۲۴ شرکت از جمله "شرکت سرمایه‌گذاری بهمن" - یکی دیگر از شرکت‌های بازار بورس - را در دست دارد که ارزش آن ۸۰ میلیون دلار تخمین زده شده است. هیأت‌مدیره‌ی گروه "بهمن" دارای ۵ عضو به نمایندگی از پنج شرکت است که چهار مورد از آن‌ها به سپاه پاسداران تعلق دارند.

این تنها حوزه‌ی سرمایه‌گذاری سپاه پاسداران نیست. بخش معادن ایران یکی از منابع مهم درآمد برای اقتصاد کشور و همچنین فراهم‌کننده‌ی مواد خام برای صنعت در حال توسعه‌ی آن است. طبق گفته‌ی سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، این کشور دارای بزرگ‌ترین ذخایر فلز روی و دومین ذخایر بزرگ مس در جهان است.

شرکت سهامی عام توسعه‌ی معادن روی ایران مالک و تولیدکننده‌ی اصلی روی در ایران است که با ارزش

هشتاد میلیون دلار در بازار بورس، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های استخراجی کشور را تحت کنترل دارد. با برداشته شدن تحریم‌ها علیه بخش بانکی و ترابری کشور، صادرات فلزات و مواد معدنی ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی گزینه‌ای به‌صرفه‌تر خواهد بود. در نتیجه، "شرکت توسعه‌ی معادن روی ایران" که سپاه پاسداران اکثریت سهام آن را در اختیار دارد از فضای توسعه‌ی اقتصادی، دسترسی به فناوری‌های استخراجی مدرن، تهیه منابع مالی جدید، هزینه‌ی کمتر انتقال، و سرمایه‌گذاری‌های خارجی احتمالی سود بسیاری خواهد برد. درآمد آن بالا خواهد رفت و در نتیجه سود سرمایه‌گذاران آن افزوده خواهد شد.

مورد مشابه دیگر، "شرکت آلومینیوم ایران" (ایرالکو) است که بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی آلومینیوم در ایران به شمار می‌رود. اتحادیه‌ی اروپا در دسامبر ۲۰۱۲ این شرکت را به دلیل مشارکت در نقض مقررات تحریم‌های سازمان ملل و اتحادیه اروپا بر ایران و حمایت مستقیم از فعالیت‌های هسته‌ای ایران مورد تحریم قرار داد. از آنجا که "ایرالکو" تنها به دلیل فعالیت‌های مرتبط با امور هسته‌ای مورد تحریم قرار گرفته بود اتحادیه اروپا به زودی آن را از لیست تحریم خارج خواهد کرد. ایالات متحده هیچ‌گاه "ایرالکو" را هدف قرار نداده است و در نتیجه تحریم دیگری علیه خود شرکت وجود ندارد. با این وجود طبق گزارش "ایرالکو" در جولای ۲۰۱۵، شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایرانیان که تحت مالکیت سپاه پاسداران است (و مورد تحریم ایالات متحده قرار دارد) مالک ۲۰ درصد سهام این شرکت است. اگر سرمایه‌گذاران خارجی از طریق بازار بورس، سهام "ایرالکو" را خریداری کنند ممکن است به زودی خود را در جلسه‌ی هیأت‌مدیره‌ی شرکت با مقامات تحت تحریم سپاه پاسداران بر سر یک میز ببینند. دولت اوپاما اصرار دارد که تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران بر جای خود باقی خواهند ماند و معامله‌ی هسته‌ای از تقویت تحریم‌های غیرهسته‌ای علیه نقش سپاه پاسداران در تروریسم و کمک به رژیم سوریه جلوگیری نخواهد کرد. چه راه بهتری برای آزمودن این ادعا وجود دارد جز این که کنگره سرمایه‌گذارانی را که با سپاه شریک می‌شوند مجازات کند؟

عادی سازی ایران



برت استیونز

پس چه زمانی بهتر برای لیبرال‌های نیک‌اندیش تا این سوال را مطرح کنند که «آیا ایران واقعا این قدر شرور است؟»

این، عنوان مقاله‌ای در «پولیتیکو» از «استیون کینزر»، خبرنگار سابق نیویورک‌تایمز است که اکنون در دانشگاه براون کار می‌کند. آقای کینزر مقاله‌اش را این گونه آغاز می‌کند: «منفورسازی ایران را می‌توان عجیب‌ترین و خودآزارترین سیاست خارجی ایالات متحده به شمار آورد. امریکایی‌ها به ایران به عنوان کشوری با منافع مشخص نگاه نمی‌کنند که گاه منافع آن با منافع ما در تضاد است، بلکه آن را به صورت منبعی بی‌پایان از پلیدی می‌بینند.»

مقاله‌ی آقای کینزر، همزمان با رفع تحریم‌ها از تهران و بازگشت چهار گروگان امریکایی به کشور پس از زندان درازمدت منتشر شد. دولت اواما به صورت عمومی اصرار می‌کند که قرارداد هسته‌ای به معنای نگاه مثبت امریکا به ایران نیست، اما پشتیبانان مشتاق‌تر این قرارداد جور دیگری فکر می‌کنند. آقای کینزر می‌نویسد: «برداشت ما از ایران به عنوان خطری برای منافع حیاتی امریکا از واقعیت فاصله‌ی بسیاری دارد. وقایع هفته‌ی گذشته می‌تواند این نگاه را که لازمه‌ی میهن‌دوستی امریکایی‌ها، تنفر از ایران است، تضعیف کند.»

چه نگرش عجیب و غریبی! مهین‌دوستی من هیچ‌گاه تحت تاثیر دیدگاه مثبت یا منفی‌ام نسبت به ایران قرار نگرفته است. و من حتی از ایران متنفر نیستم؛ اگر منظور ما از «ایران» میلیون‌ها نفری باشد که هنگام قتل ندا آقاسلطان توسط اوباش رژیم، در جریان جنبش سبز در کنار او به تظاهرات پرداختند؛ یا همراهان هاشم شعبانی شاعر عرب ایرانی که دو سال پیش به جرم «محاربه» (جنگ با خدا) اعدام شد؛ یا هزاران کاندیدایی که طبق معمول به خاطر عدم وفاداری کافی به ولی فقیه از



چرا لیبرال‌ها تلاش می‌کنند تا غیرلیبرال‌ترین رژیم‌ها را عادی‌سازی کنند؟

در سوریه، بشار اسد تلاش می‌کند تا با مسدود کردن مسیر کمک‌های انسان‌دوستانه به شهروندان شهرهای تحت محاصره، دشمنانش را به زانو در بیاورد. به این سیاست «گرسنگی بکش یا زانو بزن» گفته می‌شود و رسماً از سوی حزب‌الله لبنان و تلویحا از سوی ایران که سپاه قدس خود را برای کمک به اسد در جنگ گسیل کرده است حمایت می‌شود.



کرده بود. او نوشت: «معاذل‌سازی ایران و ترور، امروزه امری ساده‌انگارانه است.» پس از انتخابات او در خیابان‌ها مشغول فرار از دست همان شبه‌نظامیانی بود که آقاسلطان را به قتل رساندند.

حال انتظار دارند که ما باور کنیم آن تغییری که آقای کوهن و بقیه امیدش را داشتند سرانجام فرا رسیده است. گواه آنان ظاهراً این است که: رژیم کماکان به تعهدات هسته‌ای خود وفادار مانده است (در ازای ۱۰۰ میلیارد دلار پول بادآورده)، اینکه به سرعت دریانوردان آمریکایی را آزاد کرده است (پس از راه‌اندازی یک کودتای کوچک تبلیغاتی)، و این که باقی گروگان‌ها را آزاد کرد (البته تنها پس از اینکه نزدیک بود مادر و همسر یکی از آن گروگان‌ها را به جای او گروگان بگیرد، و همچنین پس از دریافت ۷/۱ میلیارد دلار جایزه از ایالات متحده).

آیا این‌ها نشانه‌های یک رژیم جدید و بهبودیافته است؟ یا نشان از رژیمی دارد که مجدداً به این باور رسیده که همیشه می‌تواند برای رفتار بد خود رشوه و باج بگیرد؟ مفهوم مخاطره‌ی اخلاقی که از بنیان‌های اقتصاد است، بعدی در سیاست خارجی نیز دارد. هر کشوری که باور داشته باشد هیچ‌گاه برای ماجراجویی‌های خود مجبور به پرداخت هزینه‌ای نخواهد شد، دست به ماجراجویی‌های بزرگ‌تر خواهد زد. کشوری با ابعاد یونان می‌تواند چنین بحرانی خلق کند، حال چه رسد به ایران.

ایران تنها زمانی یک کشور «عادی» خواهد شد که دیگر جمهوری اسلامی نباشد. در حال حاضر تنها پرسش موجود این است که ما برای عادی‌سازی ایران تا چه اندازه حاضر به تحقیر خود هستیم.

* «برت استیونز»، عضو هیات تحریریه روزنامه‌ی «وال‌استریت ژورنال» و جانشین دبیر صفحه‌ی سردبیری این روزنامه است. او در سال ۲۰۱۳ به خاطر یادداشت‌هایش در حوزه‌ی سیاست خارجی، برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر شد. نسخه‌ی انگلیسی این یادداشت در شماره‌ی روز ۱۸ ژانویه (۲۸ دی) وال‌استریت ژورنال منتشر شد. ترجمه: سیاوش صفوی

حضور در انتخابات مجلس منع شده‌اند. این ایرانی است که لیبرال‌هایی مانند آقای کینزر باید از آن حمایت کنند نه آن حکومت مذهبی غاصب که در حالی که پایش را بر گلوی ایرانیان فشار می‌دهد، ادعای سخن گفتن به نام ایران را دارد. اما مدت‌ها از دورانی که سیاست خارجی لیبرال ایالات متحده منافع‌مان را بر اساس ارزش‌های مان شکل می‌داد (و نه برعکس) گذشته است. چه برسد به حمایت از آرمان‌های لیبرالی مردم نقاط دیگر، خصوصاً آن‌ها که تحت یک حکومت دیکتاتوری ضد آمریکایی زندگی می‌کنند.

با وام گرفتن کلام چرچیل، باید گفت که سیاست خارجی لیبرال امروزی، در واقع مماشات در پوشش واقع‌گرایی است که از درون همانندسازی اخلاقی برمی‌خیزد. چنین طرز تفکری در مورد سیاست‌های ایران ما را به آن‌جا می‌رساند که باور کنیم ما حداقل به همان اندازه به ایرانیان بدی کردیم که آن‌ها به ما بدی کرده‌اند؛ یعنی منافع امنیت ملی ما ایجاب می‌کند که با جمهوری اسلامی به توافق برسیم؛ و این که بهترین راه برای کاهش بدگمانی تندرروهای ایران، و کاهش نفوذ آنان در درازمدت، این است که با میانه‌روها رابطه‌ای هرچه بهتر برقرار کنیم و نرمش دیپلماتیک زیادی از خود نشان دهیم.

اما تجربه، بارها این نظریه‌ی زیبا را رد کرده است. دولت کارتر، آیت‌الله خمینی را به عنوان «یک قدیس» تکریم کرد؛ سفارت ما اشغال شد. رونالد ریگان برای خمینی کیک تولدی به همراه سلاح‌های پنهانی فرستاد تا آزادی گروگان‌ها در لبنان را تسهیل کند؛ چند گروگان آزاد شدند اما به جای آن‌ها چند نفر دیگر گروگان گرفته شدند. دنیا از انتخاب رییس‌جمهور «میانه‌رو»، محمد خاتمی، در سال ۱۹۹۷ استقبال کرد. تسهیلات اتمی غیرقانونی ایران در دور دوم ریاست جمهوری او لو رفتند.

در سال ۲۰۰۹ در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری، راجر کوهن در نیویورک تایمز با حرارت از «طراوت و جنبش یک جامعه‌ی بسیار تحصیل کرده و در حال تغییر» نوشت که در سفرش به تهران کشف

نه، فضای ایران در حال «باز شدن» نیست



ان اېلبام

تحریم‌ها از روی ایران برداشته شدند، و لحظه‌ی تغییر فرا رسیده است. رییس جمهور اوپاما این اتفاق را «فرصتی منحصر به فرد، و یک درپچه برای تلاش در جهت حل معضلات مهم» خواند. نیکلاس برنز، دیپلمات هوشمند بازنشسته، گفت ما در یک «نقطه‌ی عطف بالقوه در تاریخ مدرن خاورمیانه به سر می‌بریم». قطعاً حق با آنان است. دیپلماسی خاورمیانه از این به بعد برای همیشه، چه در جهت بهتر یا بدتر، تغییر خواهد کرد.

اما در برخورد با افرادی که ادعایی فراتر از این دارند به شدت محتاط باشید؛ به ویژه مراقب افرادی باشید که در مورد ایران ادعای بیشتری دارند. نه رییس جمهور حسن روحانی، میخائیل گورباچف است، و نه این یک لحظه‌ی پروستریکایی. (پروستریکا برنامه‌ی اصلاحات گورباچف بود که در نهایت منجر به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شد)

ایران در حال «باز کردن فضا» یا «غربی تر شدن» یا لیبرال تر شدن نیست. ممکن است وزیر امور خارجه‌ی ایران اکنون وقتی جان کری زنگ می‌زند تلفن را جواب دهد، اما به غیر از این، ماهیت رژیم جمهوری اسلامی هیچ تغییری نکرده است. کاملاً برعکس، میزان سرکوب در داخل کشور از زمان انتخاب روحانی «میان‌رو» در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. تعداد احکام اعدام بالا رفته است.

میلیون دلار اعلام کرد. هرچند که خودش این عدد را قویاً «اشتباه» می‌داند و می‌گوید: «اگر یک صفرش را هم برداری به من نمی‌خورد. من اگر ۴۰۰ میلیون دلار داشتم اینجا چی کار می‌کردم؟ می‌رفتم بالای قله دماوند استراحت می‌کردم.»

با این وجود، گفته می‌شود که میزان صادرات سالیانه او دست کم ۱۰۰ میلیون دلار است. تقریباً یک چهارم کل صادرات سالیانه پسته ایران، از دفتر ۱۲۰ متری و قدیمی او در عباس آباد تهران خارج می‌شود. او را «سلطان خشکبار»، «حاجی ترانسفر»، «تاجر کشمش» و «سلطان پسته و زیره» لقب داده‌اند هرچند که خودش این القاب را نمی‌پسندد و به جای آن می‌گوید که در صادرات خشکبار، به درجه «اجتهاد» رسیده است.

از تحصیل داری تا بازار نیویورک

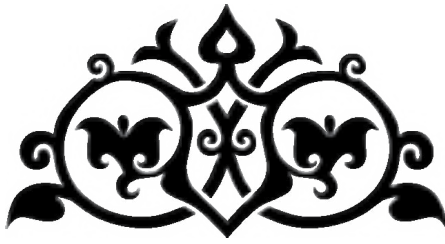
در سال ۲۰۱۴ ایران بالاترین آمار اعدام را در جهان پس از چین داشت. در سال گذشته این تعداد از ۱۰۰۰ مورد بالاتر رفته است. بخشی از این به خاطر رجزخوانی رییس قوه‌ی قضاییه‌ی ایران تحت عنوان ریشه کن کردن - و در واقع اعدام فله‌ای - مجرمان مواد مخدر است که بسیاری از آنان نوجوان هستند یا با مدارک ناکافی و مشکوک محکوم شده‌اند.

فشار سیاسی و تبعیض مذهبی نیز افزایش پیدا کرده است. زنانی که حجاب چادر ندارند کماکان در معرض بازداشت و مجازات هستند. مجازات ارتداد، زنا، و هم‌جنس‌گرایی بسیار شدید است و حتی برای آن حکم اعدام نیز صادر می‌شود.

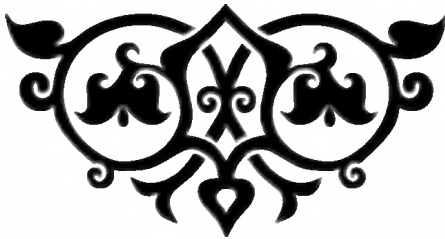
مخالفان فرهنگی تحت فشار هستند که از زمان رفع تحریم‌ها حتی بیشتر هم شده است. در روز هفتم ژانویه (۱۷ دی) هیلا صدیقی شاعر پس از پیاده شدن در فرودگاه تهران برای مدت ۴۸ ساعت، ظاهراً به عنوان هشدار، بازداشت شد. در ماه اکتبر یک فیلم‌ساز کرد [کیوان کریمی] به جرم «توهین به مقدسات» به ۶ سال زندان و ۲۲۳ ضربه شلاق محکوم شد.

موثرتر و البته پول بیشتر برای صدور ایدئولوژی انقلاب ایران به سوریه، لبنان، و عراق خواهد بود.

این ماه وقتی که پنج آمریکایی از زندان‌های ایران آزاد شدند "کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران" گزارش داد که بسیاری از زندانیان سیاسی دیگر از جمله چند خارجی، کماکان در زندان‌های جمهوری اسلامی به سر می‌برند.



هر گروه حاکم که از قیام مردمی وحشت دارد، در نهایت همیشه سیاست خارجی‌اش را با هدف ابقای خود در حکومت تنظیم می‌کند



اگر امکان داشت که این داستان‌ها را در جعبه‌ای جداگانه بگذاریم و بگوییم ایران کشوری با «حقوق بشر بد» اما «سیاست خارجی در حال بهبود» است، شاید می‌توانستیم به آن‌ها بی‌اعتنایی کنیم. اما ما به هزینه‌ی خودمان از روسیه و نقاط دیگر درس گرفتیم که رژیم‌هایی که برای سرکوب شهروندان خود دست به خشونت می‌زنند، شرکای دیپلماتیک قابل اعتمادی نیستند.

هر گروه حاکم که از قیام مردمی وحشت دارد، در نهایت همیشه سیاست خارجی‌اش را با هدف ابقای خود در حکومت تنظیم می‌کند. در حال حاضر روحانی و وزیر امور خارجه‌ی او، محمدجواد ظریف، معتقدند که رفع تحریم‌ها به بهبود اقتصاد ایران و ایجاد حمایت مردمی کمک خواهد کرد.

اما اگر این اتفاق نیفتد آنان یا جانشینان آن‌ها دوباره به سرعت خشم و احساسات عمومی را به سمت "شیطان بزرگ" هدایت خواهند کرد.

همین هشدار، شامل تاجران غربی که برای ورود به ایران صف کشیده‌اند نیز می‌شود. قطعاً بسیاری از مقامات ایرانی به شرط سود متقابل حاضر به کمک به آنان خواهند بود.

بدون شک برخی از آنان سود خواهند کرد، هرچند در کشوری که دادگاه‌های آن سیاسی هستند و قضات آن در فرآیندی غیرشفاف و مستبدانه انتخاب می‌شوند ممکن است حفظ آن سود دشوار باشد.

اما به هر حال، امید متوهمانه به اینکه سرمایه‌گذاری خارجی منجر به "باز شدن" فضای ایران می‌شود بی‌فایده است.

در شرایط کنونی، سرمایه‌گذاری خارجی احتمالاً تنها موجب غنی‌تر شدن طبقه‌ی حاکم کنونی خواهد شد که در این صورت، نتیجه‌ی آن سرکوب بیشتر، دروغ‌گویی

بله دیپلماسی خاورمیانه در حال تغییر است. اما این تغییر هنوز به ایران نرسیده است و تازمانی که برسد ایران کماکان یک عامل بی‌ثباتی و خشونت در سراسر منطقه خواهد بود.

* "ان اپلبام"، ستون‌نویس سیاست خارجی در "واشنگتن‌پست" و مدیر "فروم انتقال" در موسسه‌ی "لگاتوم" در لندن است. او در سال ۲۰۰۴ برای کتابش با عنوان "گولاگ: یک تاریخ" برنده جایزه پولیتزر شد. نسخه‌ی انگلیسی این یادداشت روز ۲۲ ژانویه ۲۰۱۶ (۲ بهمن ۱۳۹۴) در روزنامه‌ی واشنگتن‌پست منتشر شد.

ترجمه فارسی از سیاوش صفوی / مرکز بین‌المللی مطالعات لیبرالیسم

ایران در حال صدور انقلاب فرهنگی خود است



آرش سبحانی

او برای من تعریف کرد که در جریان یکی از سفرهایش به ایران این پیشنهاد را مطرح کرده بود که جشنواره‌ای از موسیقی معاصر خاورمیانه با حضور مقامی از وزارت فرهنگ ایران در اروپا برگزار شود. آن مقام از او پرسیده بود که آیا گروه‌های ایرانی خارج از ایران نیز در آن حضور خواهند داشت؟ او می‌خواست بفهمد که آیا موسیقی‌هایی که توسط مقامات ایران مورد تایید نیستند نیز اجرا خواهد شد یا خیر. زمانی که سازمان‌دهنده پاسخ مثبت داد و گفت که قطعاً از گروه کیوسک نیز دعوت خواهد کرد، مقام ایرانی در پاسخ گفت که وزارت‌خانه‌اش از حضور موزیسین‌های داخلی در چنین جشنواره‌ای جلوگیری خواهد کرد.

در ابتدا سازمان‌دهنده ی آلمانی این موضوع را در نظر گرفته بود که کیوسک را از جشنواره‌ی اروپایی حذف کند، اما وقتی بیشتر اندیشید نظرش تغییر کرد. او نمی‌توانست درک کند که یک مقام رژیم ایران در تهران، به چه حقی می‌خواهد ارزش‌ها و قوانین حکومت خود را در فستیوالی در یک کشور دیگر اعمال کند؟ این جشنواره قرار بود در آلمان برگزار شود و بودجه‌ی آن را نیز دولت آلمان پرداخت می‌کرد که به آزادی بیان احترام می‌گذارد.

متأسفانه این تنها یک نمونه از تلاش‌های جمهوری اسلامی برای تحمیل ارزش‌های خود در خارج از مرزهای ایران است. حکومت ایران فرستادگان زن کشورهای خارجی را مجبور به پوشیدن حجاب می‌کند و دلیل می‌آورد که این قانون کشور است و هیچ بازدیدکننده‌ای از آن مستثنی نیست.



چندسال پیش، گروه ما کیوسک که از اجرا در ایران منع شده است، برای اجرا به فستیوالی در آلمان دعوت شد. در آن زمان شخص سازمان‌دهنده‌ی فستیوال در چند برنامه‌ی تبادل فرهنگی با ایران مشارکت داشت.



در عین حال کارگردانان، بازیگران، اساتید دانشگاه، یا هنرمندان ایرانی که به جشنواره‌ها و برنامه‌های خارج از ایران دعوت می‌شوند توسط دولت زیر ذره‌بین قرار می‌گیرند و ممکن است در بازگشت به خاطر نپوشیدن "لباس متناسب با قوانین ایران" دچار مشکل شوند.

آن‌ها حتی ممکن است به خاطر دست دادن با جنس مخالف پیش از سخنرانی یا هنگام دریافت جایزه برای اثرشان ممنوع از کار شوند.

به تازگی مقامات ایران اصرار کرده‌اند که دولت فرانسه باید شراب را از مهمانی شامی که به افتخار حضور آقای روحانی در فرانسه برگزار می‌شود حذف کند.

وقتی فرانسوی‌ها از قبول این درخواست امتناع کردند مقامات ایرانی راه‌حل دیگری ارائه دادند: شام را منحل به جای آن صبحانه برگزار شود. مجدداً اینجا مقامات ایرانی قصد داشتند قوانین و مقررات خود را در کشوری با حکومت متفاوت اعمال کنند.

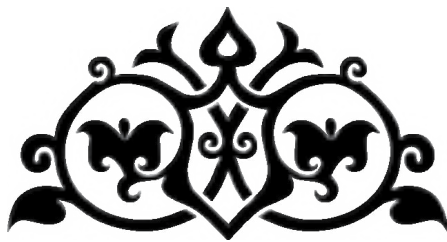
هفته‌ی گذشته وزیر ارتباطات ایران خبر داد که اپلیکیشن پیام‌رسان "تلگرام" که بین ایرانیان بسیار محبوب است، پذیرفته تا برای نظارت بر محتوای "غیراخلاقی" در ایران، ماموران ایرانی استخدام کنند.

تعریف دقیقی از آنچه مقامات آن را غیراخلاقی می‌دانند ارائه نشده است و این امری است که بسیاری از ایرانیان را به خطر می‌اندازد.

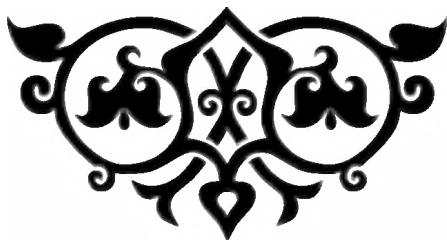
ایرانیانی که هم‌اکنون نیز در ترس زندگی می‌کنند. اخیراً یک کارتون‌نویست زندانی زن (آتنا فرقدانی) به خاطر دست دادن با وکیل خود دادگاهی شد. حال چه اتفاقی خواهد افتاد اگر یک نفر کاریکاتور یا مطلبی در انتقاد از حکومت ایران در تلگرام منتشر کند؟ آیا تلگرام باید آن را گزارش دهد؟ این شرکت در ایران هیچ دفتری ندارد و مقر آن در آلمان است.

این شرکت‌ها تا کجا به دولت ایران اجازه‌ی دست‌درازی خواهند داد؟ از زمان انقلاب ۱۹۷۹ ایده‌ی صدور انقلاب یکی

از رویاهای مقامات ایران بوده است. اما این رویا واقعاً تا چه حد دست‌نیافتنی است؟ در حال حاضر به نظر می‌رسد که دولت ایران توانایی اعمال کنترل بیشتری بر زندگی خصوصی شهروندان ایرانی در داخل کشور دارد و این امر به لطف جوامع بین‌المللی امکان‌پذیر شده است. با توجه به چنین نقض واضحی از آزادی‌های شهروندی، واکنش آن‌هایی که با ایران مشغول معامله هستند و افرادی که در جوامع آزاد زندگی می‌کنند می‌تواند تاثیر بسیاری بر زندگی ایرانیان داخل کشور داشته باشد. همچنین به باقی دنیا نشان خواهد که واقعاً پشتیبان چه چیز هستند، آزادی یا سود؟



در حال حاضر به نظر می‌رسد که دولت ایران توانایی اعمال کنترل بیشتری بر زندگی خصوصی شهروندان ایرانی در داخل کشور دارد و این امر به لطف جوامع بین‌المللی امکان‌پذیر شده است. با توجه به چنین نقض واضحی از آزادی‌های شهروندی، واکنش آن‌هایی که با ایران مشغول معامله هستند و افرادی که در جوامع آزاد زندگی می‌کنند می‌تواند تاثیر بسیاری بر زندگی ایرانیان داخل کشور داشته باشد



* آرش سبحانی، موزیسین و فعال ایرانی مقیم نیویورک است. نسخه‌ی انگلیسی این یادداشت روز ۲۵ ژانویه (۵ بهمن) در روزنامه‌ی هافینگتون پست امریکا منتشر شده است.

اقتصاد ایران در بهمن:

انتصاب مدیران دیپلمه و اعطای وام‌های میلیاردی به نورچشمی‌ها در مناطق آزاد



اقتصاد ایران در نیمه اول بهمن ماه روزهای پرخبری را سپری کرد. قراردادهای جدید نفتی دولت حسن روحانی که با واکنش و انتقاد مخالفان دولت همراه شد



یوحنا نجدی و سعید قاسمی نژاد

غرامت میلیاردی ایران به ترکیه به دلیل گران‌فروشی گاز، انتصاب مدیران کم‌سواد در مناطق آزاد و اعطای وام‌های کلان به نورچشمی‌ها در این مناطق، و همچنین افزایش چشم‌گیر بهای طلا از خبرهای مهم اقتصاد ایران در این دوره‌ی زمانی به شمار می‌رود.

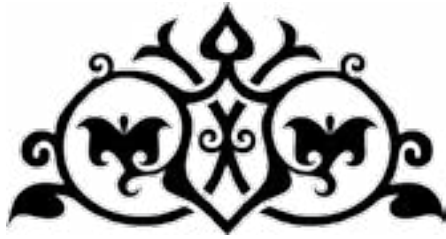
اعتراض اصولگرایان به قراردادهای نفتی

تصمیم دولت حسن روحانی مبنی بر انعقاد قراردادهای جدید نفتی با سایر کشورها و شرکت‌های بین‌المللی، با اعتراض گروه‌های تندرو و شماری از "اصول‌گرایان" به ویژه در مجلس شورای اسلامی همراه شده است.

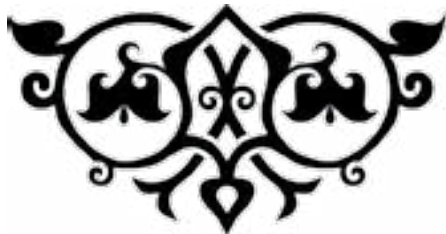
به گزارش خبرگزاری‌های دولتی در ایران، نیروی انتظامی ایران، روز دهم بهمن‌ماه، از تجمع اعتراضی تعدادی از دانشجویان بسیجی در مقابل ساختمان "وزارت نفت" در تهران در اعتراض به قراردادهای نفتی جدید جلوگیری کردند.

برخی وب‌سایت‌های نزدیک به جریان "اصول‌گرا"، از بازداشت تمامی این دانشجویان خبر دادند هرچند که همه بازداشت‌شدگان در کمتر از یک روز آزاد شدند. خبرگزاری‌های "فارس" و "تسنیم"، متعلق به سپاه پاسداران هم مدعی شدند که نیروی انتظامی با این دانشجویان، "برخورد

به گزارش خبرگزاری "تسنیم"، حمیدرضا عراقی افزود که ایران «در نحوه پرداخت این جریمه به ترک‌ها هنوز توافق نکرده است».



احمد توکلی روز ۱۱ بهمن ماه در سخنانی در مجلس شورای اسلامی، گفت: «اهمیت قرارداد نفتی به حدی بالاست که اگر دهها تظاهرات سراسری برای آن انجام شود، باز هم کافی نیست.»



با این حال، یک روز بعد، روزنامه "حریت" چاپ ترکیه نوشت که رقم جریمه ایران در این پرونده، تقریباً "دو برابر" ادعای مقام‌های ایرانی و در حدود دو میلیارد دلار است. برات البیرق، "وزیر انرژی ترکیه" نیز این خبر را تایید کرد.

مقام‌های ترکیه مدعی هستند که طبق رای این دادگاه، ایران باید ۱۳ تا ۱۶ درصد تخفیف در بهای گاز صادرشده خود به ترکیه از جولای ۲۰۱۱ تا کنون را اعمال کند که این رقم، بالغ بر دو میلیارد دلار برآورد می‌شود.

در واکنش، بیژن زنگنه، "وزیر نفت" دولت حسن روحانی از بیان مبلغ جریمه "به دلیل محرمانه بودن آن" خودداری کرد و تنها گفت: «ترکیه تا چند سال آینده دیگر نمی‌تواند تقاضای کاهش قیمت و تغییر در فرمول گاز صادراتی ایران به این کشور را مطرح کند.»

به گفته وی، «این رای با آن چیزی که ترکیه به دنبال آن بوده، متفاوت است».

شدیدی "انجام داده است. در همین حال، علی کاردور، معاون "سرمایه‌گذاری و تامین مالی شرکت نفت ایران"، در گفتگو با هفته‌نامه "صدآ" چاپ تهران اعلام کرد کنفرانس لندن که قرار بود از سوم تا پنجم اسفند برای جذب سرمایه‌های خارجی در صنعت نفت و گاز ایران برگزار شود، فعلاً لغو شده است.

به گفته وی، "مشکلات تهیه ویزا" علت لغو این کنفرانس بوده است.

این پایان ماجرا نبود و واکنش‌ها نسبت به قراردادهای نفتی جدید، به صحن علنی مجلس شورای اسلامی رسید. احمد توکلی، علیرضا زاکانی، حسین نجابت، الیاس نادران، احمد امیرآبادی و محمد دهقان از جمله اعضای این مجلس بودند که قراردادها را بر خلاف قانون اساسی و مغایر با "اقتصاد مقاومتی" مطلوب رهبر جمهوری اسلامی ارزیابی کردند.

احمد توکلی روز ۱۱ بهمن ماه در سخنانی در مجلس شورای اسلامی، گفت: «اهمیت قرارداد نفتی به حدی بالاست که اگر دهها تظاهرات سراسری برای آن انجام شود، باز هم کافی نیست.»

با این حال، علی لاریجانی، رئیس این مجلس، با اشاره به اینکه تجمع یادشده "فاقد مجوز قانونی" بوده گفت: «این مسائل در خیابان قابل حل نیست.»

بیژن زنگنه، "وزیر نفت" دولت حسن روحانی هم با دفاع از قراردادهای جدید نفتی گفته که «در طول دو سال گذشته هر فعالیتی را که در این زمینه انجام شده در معرض افکار عمومی قرار داده است».

جریمه میلیارد دلاری ایران به ترکیه

رئیس "شرکت ملی گاز ایران" روز ۱۳ بهمن اعلام کرد که در پرونده شکایت ترکیه علیه ایران به دلیل گران‌فروشی گاز، ایران از سوی "دیوان بین‌المللی داوری" به پرداخت یک میلیارد دلار جریمه محکوم شده است.

خصوصی سازی یا دولتی ترسازی؟!

در نیمه اول بهمن ماه، شماری از مقام‌های مسوول و فعالان اقتصادی در استان‌های مختلف کشور از اقتصاد دولتی و نقش اندک بخش خصوصی در اقتصاد ایران به شدت انتقاد کردند.

از جمله، رییس "انجمن سازندگان تجهیزات نفت، حفاری، گاز و پتروشیمی خوزستان" روز ۷ بهمن گفت که «صنعت در خوزستان تماما دولتی بوده» و «اقتصاد دولتی بخش خصوصی را به حاشیه رانده است».

علی کرانی، بخش خصوصی در اقتصاد ایران را "غریب" توصیف کرد و افزود که «در خیلی از جلسات تنها نام بخش خصوصی روی کاغذ آورده می‌شود».

وی با طرح انتقادهایی صریح‌تر، فعالان بخش خصوصی را کسانی معرفی کرد که «از ابتدای انقلاب اسلامی و در سخت‌ترین شرایط و زیر آوار بمب و موشک» همراه صنعت نفت بوده‌اند اما «بخش زیادی» از آن‌ها «وقتی زمان امتیازدهی و پساتحریم می‌شود» "حذف" شدند.

به گفته وی، بخش خصوصی در مناسبات اقتصادی و تجاری استان خوزستان نقش "حاشیه‌ای" و "بسیار کم‌رنگی" دارد.

در خبری مرتبط، حسین بختیاری، فرماندار اراک در استان مرکزی، روز ۴ بهمن گفت که «رویکرد به خصوصی سازی و اصل ۴۴ قانون اساسی در کشور به درستی اجرا نشده» و در روند اجرای خصوصی سازی، «بسیاری اوقات به جای ضابطه، رابطه حاکم بوده است».

یک روز پیشتر نیز اسدالله ایمانی، نماینده علی خامنه‌ای در استان فارس خواستار حضور فعال بخش خصوصی در زمینه گردشگری در این استان شد و گفت البته «نه اینکه مثل صنعت، بخش خصوصی را وارد کنید و هزاران چوب به قلمش بزنید». امام جمعه شیراز تاکید کرد: «بدبختی جامعه به دلیل قوانین دست-وپا-گیر است که باعث خانه‌نشینی بخش خصوصی می‌شود».

بر اساس توافقی که سال ۱۹۹۵ میان ایران و ترکیه به امضا رسید، ایران موظف شد که روزانه ۲۷ میلیون مترمکعب گاز به ترکیه صادر کند.

از ترک تحصیل دانش آموزان تا گرانی بیمارستان‌های خصوصی

در نیمه اول بهمن امسال، شماری از مقام‌های جمهوری اسلامی به بیان برخی از شدیدترین مشکلات اقتصادی مردم در نقاط مختلف کشور پرداختند.

از جمله، روزنامه "شهروند"، چاپ تهران در شماره روز ۱۵ بهمن خود از قول اکبر میرشکار، معاون امور فرهنگی "کمیته امداد" از ترک تحصیل سالانه ۱۵۰۰ دانش آموز تحت پوشش این کمیته به دلیل مشکلات اقتصادی خبر داد.

وی هم‌چنین خاطرنشان کرد که «سالانه ۳۰ درصد دانش آموزان تحت پوشش کمیته امداد به دلیل ازدواج، ترک تحصیل می‌کنند».

قائم‌مقام "وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی" نیز اعلام کرد که بیش از ۸۰ درصد مردم ایران "توان مالی" مراجعه به بیمارستان‌های بخش خصوصی را ندارند.

به گزارش خبرگزاری "صدا و سیما"، ایرج حریرچی افزود که حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از مردم نیز «با اتکا به بیمه تکمیلی به بیمارستان‌های خصوصی مراجعه می‌کنند».

به گفته وی، بیمارستان‌های خصوصی در حال حاضر «تنها پاسخگوی ۴ تا ۵ درصد مردم است». از سوی دیگر، معاون اول دولت روحانی روز ۱۳ بهمن گفت که «رفاه مردم در سال‌های اخیر کاهش یافته است» به طوری که «برخی از مردم قادر نیستند حداقل نیازهای‌شان را تامین کنند».

به گزارش خبرگزاری "مهر"، اسحاق جهانگیری هم‌چنین از کاهش چشم‌گیر قدرت خرید مردم در سال‌های اخیر به عوان یکی دیگر از مشکلات اقتصادی کنونی در ایران یاد کرد.

وام‌های میلیاردی به نورچشمی‌ها در مناطق آزاد

به افراد نورچشمی و افرادی که هیچ سنجیتی با مناطق آزاد نداشته‌اند، پرداخت شده است».

حضور گسترده قرارگاه خاتم‌الانبیا در لرستان

هوشنگ بازوند، «استاندار لرستان» شامگاه دوم بهمن ماه در سخنانی در جلسه شورای برنامه‌ریزی و توسعه این استان از آمادگی سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیارد تومانی قرارگاه خاتم‌الانبیا (متعلق به سپاه پاسداران) در حوزه عمران شهری مرکز لرستان و بروجرد خبر داد.

به گزارش خبرگزاری «مهر»، وی با اشاره به توانمندی‌های قرارگاه خاتم‌الانبیا گفت که «پروژه آزادراه خرم‌آباد- اراک حدود ۹۸۰ تا هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان قرارداد دارد» و اگرچه «سهم قرارگاه خاتم در آن چندین برابر دولت است» اما «پروژه با وجود بی‌پولی در حال کار است».

استاندار لرستان خاطر نشان کرد که «حدود ۲۰۰ میلیارد تومان پروژه عمران شهری» توسط قرارگاه می‌تواند تعریف شود که از این مبلغ، «حدود ۱۲۰ میلیارد تومان آن مربوط به خرم‌آباد و ۵۰ تا ۶۰ میلیارد تومان برای بروجرد است».

در این جلسه، سرادر عبدالله‌اللهی، فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا نیز از آمادگی این نهاد متعلق به سپاه پاسداران برای در دست گرفتن پروژه‌های متعددی همچون احداث چندین سد، مونوریل و ۱۲ پل درون شهری در خرم‌آباد خبر داد.

او با اشاره به آمادگی این قرارگاه برای حضور در «بخش کشاورزی» استان لرستان گفت که «قرارگاه خاتم»، «بخش کشاورزی خود را نیز تاسیس کرده است».

روزهای آرام ارز؛ طلا گران شد

بهای دلار در نیمه اول بهمن ماه از ۳۵۸۰ تومان در ابتدای این ماه با اندکی افزایش به ۳۵۹۰ تومان در ۱۵ بهمن رسید. قیمت یورو نیز با طی کردن روندی صعودی، از

رییس «پژوهشکده پولی و بانکی» روز ۱۵ بهمن در سخنانی هر شعبه بانکی را به دلیل احتمال بروز فساد جدید، «یک بمب ساعتی» توصیف کرد و گفت: «هر لحظه باید منتظر فساد جدید بود و اگر بانک مرکزی تدبیر نکند، مشکلات بزرگتری در راه است».

به گزارش «خبرآنلاین»، اکبر کمیجانی هم‌چنین از «شعبه‌محوری» و «قرار دادن امکان و اختیارات بی‌حد و حصر به شعب» به عنوان بخش از دلایل بروز فساد در بانک‌ها یاد کرد.

روزنامه «حمایت»، وابسته به «سازمان زندان‌ها» نیز در شماره روز ۱۱ بهمن خود از قول غلام‌حسین اسماعیلی، رییس کل دادگستری تهران گزارش داد که «از ابتدای سال جاری تاکنون بیش از ۶۰ نفر از کارکنان متخلف دستگاه‌های اجرایی در مظان اتهام زمین‌خواری قرار گرفتند، که تمام آن‌ها بازداشت شده‌اند».

یک روز پیش از آن، رییس «کمیته تفحص از مناطق آزاد» از ارائه گزارش تحقیق و تفحص این کمیته به «کمیسیون اقتصاد مجلس شورای اسلامی» خبر داد و گفت: «مناطق آزاد، حیاط خلوت و لقمه چربی برای دولت‌ها است که هیات مدیره‌های سفارشی را منصوب کنند».

حسین دهدشتی با بیان این که نتایج کار این کمیته، «ناکارآمدی مناطق آزاد را اثبات کرده» افزود که «مناطق آزاد به صورت سلیقه‌ای اداره می‌شود» و «شفافیتی در عملکرد مالی آن‌ها وجود ندارد».

آقای دهدشتی از انتصاب مدیرانی با مدرک تحصیلی «دیپلم» در مناطق آزاد خبر داد و تصریح کرد: «هم در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد مدیران دیپلمه داشتیم و هم در دوره فعلی چنین مدیرانی منصوب شده‌اند.» این عضو «کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی» فاش کرد که در این مناطق، «وام‌های یک میلیارد ریالی

چون میوه‌هایی نیستند که بتوانند با "خر" و "قاطر" از کوه‌ها و مناطق صعب‌العبور وارد شوند.

در همین خصوص، معاون "وزیر جهاد کشاورزی" خواستار روشن شدن نحوه ورود این میوه به کشور شد و گفت: «مگر یک یا دو کیلوگرم میوه بوده که در جیب جا شود و بتوان آنها را وارد کشور کرد؛ اصلاً این کار شدنی است؟»

محمدعلی طهماسبی افزود که در نتیجه ورود این میوه‌ها به کشور، «هم‌زمان به تولیدکننده و مصرف‌کننده ظلم می‌شود» چون «مصرف‌کنندگان چندین برابر قیمت واقعی محصولات، پول پرداخت می‌کنند و چیزی نصیب تولیدکننده نمی‌شود».

از سوی دیگر، نایب‌رییس "اتحادیه محصولات کشاورزی" نیز ضمن تایید ورود مرکبات قاچاق به کشور گفت که «این میوه‌ها پاکستانی هستند و احتمالاً از مرزهای شرقی وارد کشور شده‌اند».

صدرالدین نیاورانی با ابراز شگفتی از عدم کشف و برخورد با این حجم از واردات میوه‌های قاچاق، به مردم توصیه کرد «به هیچ عنوان از این میوه‌ها استفاده نکنند» چون «دارای هیچ‌گونه سابقه بهداشتی مشخصی نیستند».

برخی منابع خبری نوشته‌اند که نیروی انتظامی در روزهای پایانی بهمن ماه برای جمع‌آوری این میوه‌ها از سطح بازار وارد عمل شده است.

ابراز نگرانی از افزایش فقر

رییس "کمیته امداد امام خمینی" روز ۲۸ بهمن در گفتگویی با خبرگزاری "ایلنا"، از افزایش تعداد فقرا در ایران خبر داد.

پرویز فتح گفت که «تعداد نیازمندان در کشور چه آنهایی که زیر خطر فقر زندگی می‌کنند و چه آنهایی که روی مسیر فقر قرار دارند، زیاد است». به گفته وی، «فقر در جامعه در حال تولید و تعداد افراد نیازمند کمک،

۳۹۱۰ تومان به ۳۹۵۰ تومان افزایش یافت. بهای "سکه تمام‌بهار آزادی" از ۹۳۳ هزار و ۵۰۰ تومان در اول بهمن با افزایشی قابل توجه به ۹۶۳ هزار تومان رسید و قیمت "نیم‌سکه بهار آزادی" نیز به همین ترتیب، از ۴۶۸ هزار به ۴۸۳ هزار تومان افزایش یافت.

شاخص کل بورس تهران نیز در میانه بهمن ماه با افزایشی قابل اعتنا نسبت به ماه قبل در کانال ۷۳ هزار واحدی به کار خود پایان داد. در همین خصوص، روح‌الله میرصانعی، دبیرکل "کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار" در گفتگو با وب‌سایت "اقتصادنیوز" گفت که با وجود "هیجانات بازار ناشی از رد صلاحیت کاندیداهای انتخابات" و همچنین "کاهش بهای نفت"، «اگر ریسک خاصی رخ ندهد، پیش‌بینی فعالان بازار، افزایش سود در ماه‌های پیش رو است».

توزیع گسترده میوه‌های قاچاق و احتمالاً غیر سالم

در نیمه دوم بهمن ماه، بازار میوه با شوک ناشی از توزیع گسترده انواع میوه‌های قاچاق روبه‌رو شد.

رییس "اتحادیه باغداران" روز ۲۶ بهمن به خبرگزاری "مهر" گفت «حجم وسیعی از انواع میوه‌های تابستانی خارجی به صورت ناگهانی و شبانه در میدان مرکزی میوه و تره‌بار تهران توزیع شده است».

مجتبی شادلو با بیان این که این کار با "رابطه‌بازی" و "دلالت‌صفتی" انجام شده اضافه کرد که ۱۰ نوع میوه تازه شامل گیلاس، انواع آلو، انواع زردآلو، انواع هلو، شلیل و انگور از اقصی نقاط دنیا از جمله کشورهایمانند شیلی و اکوادور وارد بازار میوه تهران شده است.

آقای شادلو به طور تلویحی، نهادهای دولتی را به دست داشتن در این امر متهم کرد و افزود: «مگر ممکن است این حجم گسترده واردات به شکل قاچاق انجام شده باشد؟ این میوه‌ها هزاران کیلومتر راه را طی کرده‌اند.» به گفته وی، «این محصولات از طریق سیستم ترانزیت و جاده‌های اصلی آمده‌اند»،

علی نقی مشایخی در توصیف شرایط کنونی اقتصاد ایران خاطرنشان کرد که «کشور هم‌اکنون به لحاظ اقتصادی در حال رکود قرار دارد و رشد اقتصادی در حد صفر است».

در همین روز، رییس «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» هم اعلام کرد صندوق‌های بازنشستگی در آستانه «ورشکستگی» قرار دارند.

محمدباقر نوبخت که در جلسه «هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران» سخن می‌گفت، با تاکید بر این که «صندوق‌های بازنشستگی در حال ورشکستگی است» افزود که «دولت حقوق بازنشستگی را از جیب خود می‌دهد».

سخنگوی دولت حسن روحانی خاطرنشان کرد که در حال حاضر «منابع بانکی، قفل است» چون «آنهايي که تسهیلات گرفته‌اند آن را پس نمی‌دهند» و بخش دیگر از این قفل‌شدگی هم «مربوط به بدهی‌های خود دولت است».

در همین حال، معاون «وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی» روز ۲۳ بهمن از منفی شدن نرخ رشد سرمایه‌گذاری و کاهش ۷/۱۵ درصدی صادرات در هفت ماه نخست امسال نسبت به مدت مشابه در سال قبل خبر داد و گفت که «سهم ۲۵ درصدی بخش تعاون در اقتصاد ایران محقق نشده است». حسن هفده‌تن همچنین نرخ رشد سرمایه‌گذاری در هفت ماهه نخست سال جاری را منفی ۸/۲ درصد اعلام کرد و ریشه‌ی آن را در «سیاست‌های اقتصادی نادرست در گذشته» دانست.

سه روز پیش از این اظهارات نیز رییس «اتاق بازرگانی تهران» با اشاره به گزارش «پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی» در خصوص رشد صنعتی گفت که نه تنها «رشد صنعتی کشور برای سومین فصل متوالی منفی شد» بلکه احتمالاً «این رشد در زمستان هم منفی خواهد شد». مسعود خوانساری که در نشست «هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران» سخن می‌گفت،

رو به افزایش است». آقای فتاح با ابراز نگرانی از افزایش فقرا در ایران، خواستار «اقدامات بیشتر» دوره بعدی مجلس شورای اسلامی برای مقابله با این وضعیت شد و خاطرنشان کرد اقداماتی که تاکنون در این خصوص انجام شده، «ناکافی» است چرا که «مبارزه با فقر نیازمند عزم بالاتری است».

از سوی دیگر، یک مقام مسوول در دولت حسن روحانی نیز گزارشی از وضعیت فقر در میان مردم «روستائین» در ایران ارائه کرد.

«معاون توسعه روستایی و مناطق محروم معاون اول رییس جمهوری» روز ۱۸ بهمن در سخنانی در ساری اعلام کرد که در ۲۲ استان از ۳۱ استان کشور، «درآمد خانوار روستایی کمتر از هزینه آن است».

ابوالفضل رضوی با اشاره به تاکیدهای آیت‌الله خمینی درباره «بازسازی زندگی مستضعفین» در ایران افزود که «متأسفانه دیدگاه امام راحل برای حضور این قشر در امورات کشور محقق نشد».

دو روز پیش از این اظهارات نیز غلام‌رضا عباسی، «دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران» گفت: «بر اساس بررسی‌های اولیه صورت گرفته و گزارش‌های میدانی از میزان نیاز ماهیانه خانوار کارگری ۴ نفره، هزینه‌ها از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان گذشته است».

روزهای سخت اقتصادی تا سال آینده تمدید شد

مقام‌های مسوول در دولت حسن روحانی می‌گویند که وعده‌های داده‌شده مبنی بر تحول اقتصادی چشم‌گیر، دست کم تا نیمه دوم سال آینده نیز محقق نخواهد شد. مشاور «وزیر صنعت، معدن و تجارت» در دولت یازدهم روز ۲۶ بهمن گفت که «آثار برجام بر اقتصاد کشور از نیمه دوم سال ۹۵ آشکار خواهد شد» و «در این مدت باید هم‌چنان شرایط سخت را پشت سر گذاشت».

تصریح کرد که شاخص تولیدات صنعتی برای نه ماهه امسال، منفی ۱۱ درصد بوده و رشد فروش واحدهای صنعتی در این مدت نسبت به مدت مشابه در سال قبل نیز "منفی ۱۹ درصد" برآورد شده است.

به گفته وی، «در یک سال اخیر در تمامی بخش‌های صنعتی کشور به جز صنایع دارویی و غذایی و آشامیدنی، آمارها منفی بوده است» و ادامه روند واردات در کشور نیز «بسیار نگران کننده» است.

جدیدترین مواضع وزیر کار درباره بیکاری

علی ربیعی، وزیر "تعاون، کار و رفاه اجتماعی" روز ۲۲ بهمن ماه رسماً اعلام کرد که «اشتغال بزرگ به زودی رخ نمی‌دهد» چرا که به گفته‌ی او نخست «باید سرمایه‌گذاری صورت بگیرد و به تولید برسد» تا بعد از آن «حلقه‌های پایین، شغل ایجاد کنند».

این در حالی است که وی یک هفته قبل‌تر، در روز ۱۶ بهمن ماه بار دیگر وعده‌ی حل مشکل بیکاری در کشور را داده و از «برنامه دولت برای تک رقمی شدن نرخ بیکاری» تا پایان کار دولت یازدهم خبر داده بود.

در همین خصوص، خبرگزاری "مهر" روز ۱۷ بهمن با انتشار گزارشی ضمن استناد به آمارهای ارائه‌شده از سوی "وزارت کار" نوشت که تنها کمتر از یک سوم جمعیت یازده میلیون نفری تهران، شاغل هستند.

بر پایه‌ی این گزارش، از ۹/۱۰ میلیون تهرانی در سن کار تنها ۶/۳ میلیون نفر شاغلند و ۹/۶ میلیون نفر «هیچ‌گونه فعالیت‌ی ندارند».

به نوشته "مهر"، «۲ میلیون و ۱۷۰ هزار مرد در سن کار پایتخت‌نشین به اضافه ۴ میلیون و ۸۰۸ هزار زن جزو جمعیت "غیرفعال" محسوب می‌شوند».

گفتنی است نرخ بیکاری پایتخت در تابستان سال گذشته ۱/۵ درصد بوده اما این نرخ در تابستان امسال تقریباً به

دو برابر افزایش یافته و به ۲/۹ درصد رسیده است.

گرانی‌های شب عید از راه رسید

در آستانه آغاز خریدهای نوروزی، قیمت برخی کالاها در ایران به طور محسوسی افزایش یافته است.

خبرگزاری "ایلنا"، روز ۲۸ بهمن در گزارشی به نقل از "بانک مرکزی" از افزایش بهای نرخ ۷ گروه مواد خوراکی در هفته منتهی به ۲۳ بهمن خبر داد.

به پایه این گزارش، قیمت لبنیات ۰/۲ درصد، حبوب ۰/۵ درصد، میوه‌های تازه ۰/۱ درصد، گوشت قرمز ۰/۱ درصد، گوشت مرغ ۷/۶ درصد، قند و شکر ۰/۴ درصد و چای نیز ۰/۲ درصد افزایش داشته است.

از سوی دیگر، رییس "اتحادیه میوه و سبزی" روز ۲۷ بهمن اخبار مربوط به گرانی موز، پیاز و گوجه‌فرنگی را تایید کرد.

حسین مهاجران با بیان این که «قیمت موز در طول سال جاری بین ۲۸۰۰ تا ۳۲۰۰ تومان بوده است».

وی همچنین خاطرنشان کرد که «قیمت این میوه در میدان میوه و تره‌بار به ۴۲۰۰ تومان رسیده است».

به گفته وی قیمت گوجه‌فرنگی هم با افزایشی ۱۰۰۰ تومانی به ۲۵۰۰ تومان رسیده است.

سه روز پیش از آن نیز رییس "اتحادیه گوشت گوسفندی" از افزایش مجدد قیمت این نوع گوشت در بازار خبر داد و اعلام کرد: «هر کیلوگرم شقه بدون دنبه بین ۳۳ تا ۳۴ هزار تومان به مشتری عرضه می‌شود».

علی اصغر ملکی افزود که به این ترتیب، قیمت گوشت گوسفندی کیلویی ۵ هزار تومان افزایش یافته است.

وی دلیل این گرانی را "کمبود عرضه" عنوان کرد و گفت «عرضه دام در بازار به آن میزانی که باید باشد، نیست».

ارزانی ارز و گرانی طلا؛ بورس سبزپوش شد

بهای دلار امریکا از ۳۶۰۰ تومان در نیمه بهمن ماه به ۳۴۶۰ تومان در پایان این ماه کاهش یافت و بهای یورو نیز از ۳۹۵۰ تومان به ۳۹۰۰ تومان رسید. در نیمه دوم بهمن هم‌چنین قیمت سکه تمام بهار آزادی از ۹۶۶ هزار و ۵۰۰ تومان به ۹۸۹ هزار تومان افزایش یافت و قیمت نیم‌سکه بهار آزادی هم با طی کردن روندی مشابه، از ۴۸۳ هزار به ۴۹۶ هزار تومان رسید.

شاخص بورس در دو هفته پایانی بهمن ماه در مجموع روند مثبتی را از سر گذراند و ضمن کاستن از هیجانات

خود، سرانجام در محدوده ۷۷ هزار و ۸۸۸ واحدی ایستاد. در این میان، انتشار خبر کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی، خوشحالی فعالان بازار سرمایه را به همراه داشت.

مدیران عامل بانک‌های کشور در جلسه "شورای هماهنگی بانک‌های دولتی و کانون بانک‌ها و موسسات خصوصی ایران" سرانجام درباره کاهش نرخ سود بانکی به توافق رسیدند.

بر پایه‌ی این مصوبه که پس از تایید "بانک مرکزی" و "شورای پول و اعتبار" به اجرا در می‌آید، سود بانکی سپرده‌های یکساله با دو واحد کاهش، ۱۸ درصد تعیین شده



مشکل این است که وقتی دولت کنترل اقتصاد را در دست دارد،
 آنهایی که در دولت نفوذ دارند پیروز می‌شوند و
 اوضاع بقیه هیچ تغییری نمی‌کند

liberal.school



چگونه اوپاما در خاورمیانه خلأ ایجاد کرد



دنیس راس

کمتر موضوعاتی مانند سوریه رییس جمهور اوپاما را در موقعیت انتخاب دشواری قرار داده است. در حدود پنج سال که از جنگ داخلی سوریه می گذرد اوپاما بارها با این انتخاب روبرو شده است که ایالات متحده چگونه باید واکنش نشان دهد، و او به طور مداوم تصمیم گرفته است که به کمترین اقدام ممکن دست بزند.

از آغاز این وقایع زمانی که بشار اسد به درخواست مردم برای اصلاحات پاسخی خشونت بار نشان داد و راهپیمایی های مسالمت آمیز آنان را به شورش تبدیل کرد، اولین خواست درونی آقای اوپاما اجتناب از هرگونه واکنش بود. او مداخله در سوریه را در واقع گرفتار شدن در یک نزاع دیگر در خاورمیانه می دید که دخالت امریکا تنها برایش هزینه خواهد داشت، به نتیجه ای هم نخواهد رسید، و احتمالاً شرایط را نیز بدتر خواهد کرد. تقریباً در تمام جلساتی که درباره ی سوریه برگزار شد وقتی گزینه ی احتمالی دخالت امریکا در جنگ داخلی سوریه به رییس جمهور ارائه می شد، او می پرسید: «به من بگویید این کار به کجا ختم می شود.»

پرسیدن این سوال از سوی او قطعاً کار بسیار درستی بود. اما او فراموش کرد تا سوال دیگری را ادامه پرسد: به من بگویید اگر اقدامی نکنیم چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر اوپاما می دانست که با اقدام نکردن او خلأیی به وجود خواهد آمد که موجب یک فاجعه ی انسانی، یک بحران وحشتناک پناهنده، و یک جنگ باواسطه ی در حال گسترش، و ظهور داعش در عراق و سوریه خواهد شد، پاسخ او ممکن بود متفاوت باشد. اگرچه پرسیدن این سوال برای او بسیار سخت بود، زیرا وقتی به سوریه نگاه می کرد، عراق را می دید.



موضع بیش از حد محتاطانه ی رییس جمهور در سوریه، موجب شد تا ضعف امریکا در ایجاد بحثی آزاد درباره ی درس های استراتژیک واقعی از جنگ عراق بیشتر نمایان شود.



از بسیاری جهات، خلأ سوریه از این حس ناشی می‌شود که ایالات متحده در حال عقب‌نشینی از منطقه است و این امر، موجب ایجاد خلأیی بزرگ‌تر شده است که در آن، ایران و عربستان سعودی به رقابتی روزافزون مشغول هستند. جمهوری اسلامی متوجه شد که افزایش فعالیت‌های منطقه‌ای آن و استفاده‌ی جدی‌تر از سپاه قدس -بازوی عملیاتی سپاه پاسداران در خارج از ایران- در درگیری‌های سوریه و عراق، از سوی امریکا با تهدید چندانی مواجه نشده است. حتی قاسم سلیمانی فرماندهی سپاه قدس که پیش‌تر چهره‌ای در سایه بود اخیراً حضور آشکار زیادی در ملأعام دارد و گاه در مبارزات تکریت در عراق، القصیر در سوریه و نقاط دیگری در این دو کشور دیده شده است.

برای سعودی‌ها معامله‌ی هسته‌ای و افزایش دخالت‌های ایران در منطقه به این معنی بود که دولت اوباما میل و برنامه‌ای برای محدود کردن ایران یا حفاظت از خط قرمزهای امریکا ندارد. در نتیجه عربستان تصمیم گرفته است که خط قرمز خود را رسم کند. این کار را در یمن انجام داده است و احتمالاً خروج از آن را دشوار خواهد یافت. اعدام روحانی شیعه "نمر النمر" به ویژه هم‌زمانی آن با اعدام عاملان سنی القاعده، اگرچه بیشتر به دلایل داخلی صورت گرفت اما سعودی‌های می‌دانستند که ایران عکس‌العمل نشان خواهد داد. چرا که، جمهوری اسلامی پیش از آن سعودی‌ها را تهدید کرده بود که اگر نمر را اعدام کنند تلافی خواهد کرد.

رقابت سعودی و جمهوری اسلامی احتمالاً تا حد درگیری مستقیم بالا نخواهد گرفت اما موجب خواهد شد که به این جنگ‌های باواسطه به صورت صفر یا صد نگاه کنند که سود یک طرف به ضرر دیگری منجر خواهد شد. این امر قطعاً عقب‌نشینی هر یک از آن‌ها را در سوریه دشوارتر خواهد کرد و امید دولت اوباما در استفاده از فرآیند دیپلماتیک وین را برای «برقراری صلح و امنیت در سوریه» کاهش خواهد داد. حتی بدون گسترش شکاف بین سعودی‌ها و جمهوری اسلامی، امید چندانی به وین وجود نداشت و در هر صورت نتایج آن، بیشتر به ولادیمیر پوتین وابسته بود؛

با در نظر گرفتن میراث دردناک جنگ عراق، اینکه او چنین تصمیمی گرفت چندان تعجب‌برانگیز نیست. از نگاه او، عراق اشتباهی فاحش بود. او در انتخابات، علیه آن موضع گرفته بود. او انتخاب شد تا امریکا را از جنگ‌های خاورمیانه خارج کند نه اینکه در آنجا وارد جنگ جدیدی شود. اما آیا سوریه واقعا مانند عراق بود؟ من به عنوان کسی که (به اشتباه) فکر می‌کردم صدام حسین سلاح‌های کشتار جمعی در اختیار دارد، از جنگ عراق به اشتباه حمایت کردم.

قطعاً مدافعان جنگ باید اکنون بپذیرند که تغییر رژیم و درک نکردن خلأ ناشی از آن کار اشتباهی بود؛ به جنگ رفتن بدون داشتن برنامه‌ای جدی و دقیق برای گذار قابل اطمینان به دموکراسی، که شامل ارتش-روی-زمین و پلیس برای تضمین امنیت و برقراری دولت می‌شد، امری اشتباه بود. به دست گرفتن کنترل عراق توسط ما و تبدیل شدن به نماد اشغال، به جای برقرار کردن یک دولت موقت تحت سازمان ملل کار غلطی بود. آغاز جنگ، بدون اندیشیدن به عواقب شکستن سد منازعات میان شیعه و سنی (که به عراق محدود نمی‌شد) کار اشتباهی بود.

اما سوریه همیشه موضوع متفاوتی بوده است. این اشغال یک کشور توسط امریکا محسوب نمی‌شد بلکه قیامی داخلی علیه یک رهبر دیکتاتور بود. اسد به عمد این درگیری را به جنگ مذهبی تبدیل کرد چون باور داشت تنها راه بقای او این است که علوی‌ها و سایر اقلیت‌ها نجات خود را در گروی بقای او ببینند. کمی بعد، این منازعات تبدیل به جنگی باواسطه میان عربستان سعودی و ترکیه از یک سو و ایران از سوی دیگر شد.

خلأیی که ایجاد شد به خاطر سرنگون شدن رژیم اسد نبود، بلکه به خاطر تردید ما در اقدامی فراتر از صدور بیانیه بود که در وحشت بیش از حد ما از درس‌های جنگ ریشه داشت. و این خلأ توسط دیگران پر شد: ایران، حزب‌الله، و باقی شبه‌نظامیان شیعه‌ی نماینده‌ی ایران؛ عربستان سعودی، ترکیه و قطر؛ روسیه؛ و داعش. اگر امریکا کاری برای پر کردن این خلأ انجام ندهد این وضعیت بیش از این از کنترل خارج خواهد شد.

زیرا او این توانایی را دارد که رژیم اسد را وادار به پذیرش آتش بس کند؛ بمباران بشکه‌ای را متوقف نماید؛ و اجازه دهد تا مسیرهایی انسان‌دوستانه‌ای برای رساندن غذا و دارو به مناطقی که تحت کنترل داعش نیستند ایجاد شود.

تنها در چنین شرایطی این امکان وجود دارد که بتوان عربستان، ترکیه، و بقیه را که از مخالفان اسد حمایت می‌کنند، راضی کرد تا نیروهای شورشی را برای پذیرش آتش بس متقاعد کنند؛ و این کلید به نتیجه رسیدن فرایند وین و عنصری اساسی در استراتژی اوباما برای شکست داعش است.

البته تا زمانی که آتش‌بسی واقعی میان رژیم اسد و مخالفان غیرداعش در سوریه برقرار نشده است دولت‌ها و قبایل سنی واقعا به جنگ علیه داعش ملحق نخواهند شد (زیرا آن‌ها حداقل باید بتوانند نشان دهند که حملات علیه سنی‌ها در سوریه متوقف شده است و آن‌ها در محافظت از آنان موفق بوده‌اند).

در حالی که رییس‌جمهور اوباما به سوریه مانند یک باتلاق نگاه می‌کند، پوتین چنین تفکری ندارد و معتقد است دسترسی به اهدافش در جنگ مهم‌تر از به نتیجه رسیدن فرآیند وین در این مقطع زمانی است.

به علاوه، هر چند اوباما معتقد است پوتین اشتباه شوروی در افغانستان را تکرار نمی‌کند و در مقطعی نیروهای روسیه را از سوریه خارج خواهد کرد، اما به نظر نمی‌رسد که پوتین چندان به یاد درس‌های دخالت شوروی در افغانستان باشد؛ شاید از آنجا که او نمی‌خواهد حضور زمینی گسترده‌ای داشته باشد و همچنین شاید معتقد است که امریکا هزینه‌ی حضور او را بالا نخواهد برد.

اگرچه ممکن است تاریخ در نگاه پوتین تاثیرگذار باشد، اما این تاریخ، مربوط به دوره‌ی ضعف روسیه و ابرقدرتی ایالات متحده است که او حس می‌کند باید برای جبران آن تلاش کند؛ او می‌خواهد نشان دهد که روسیه یک ابرقدرت و نیرویی تعیین‌کننده در وقایع جهانی است. او عقب‌نشینی ایالات متحده و خلا ناشی از آن را به عنوان فرصتی برای اعمال نفوذ مجدد روسیه در خاورمیانه می‌بیند.

تجربه‌ی عراق کماکان در محاسبات اوباما وزنه‌ی سنگینی محسوب می‌شود. او نیز مانند روسای جمهور پیش از خود بر اساس قیاس‌هایی که انجام می‌دهد تصمیم‌گیری می‌کند. هیچ ایرادی به این امر وارد نیست، البته اگر که این قیاس درست باشد.

روسای جمهور و مشاوران آنان به ویژه وقتی که با تصمیم‌های دشواری مانند مداخله روبرو می‌شوند، برای نتیجه‌گیری از قیاس‌ها استفاده می‌کنند. برای لیندون جانسون، "مونیخ" قیاسی بود که او را به جنگ فاجعه آمیز ویتنام کشاند. از دید او اگر ما کمونیست‌ها را آنجا متوقف نمی‌کردیم یا در آنجا با آنان "مماشات" می‌کردیم بعدها با تهدیدی بسیار بزرگ‌تر و خطرناک‌تر روبرو می‌شدیم. در جهان دوقطبی دوران جنگ سرد، قیاس مونیخ قدرت بسیاری داشت و چشم جانسون و اطرافیان او را به این حقیقت بست که کمونیسم یک سیستم یک‌پارچه نبود و شوروی و چین رقبای یکدیگر بودند، و جنگ درون ویتنام جنگی ملی بود.

جورج بوش پدر نیز با استفاده از همین ارجاع تاریخی در سال ۱۹۹۰ به صدام حسین پاسخ داد. در جلسه‌ی دفتر رییس‌جمهور، هنگامی که ما جهان را برای اقدام علیه رهبر عراق پس از اشغال کویت به حرکت درآورده بودیم او از قیاس مونیخ استفاده کرد.

برای او ما نمی‌توانستیم این تجاوز را بی‌پاسخ بگذاریم تا قانون جنگل جایگزین امیدهای او برای نظم‌نویین جهانی پس از جنگ سرد شود.

اگرچه رییس‌جمهور بوش از این قیاس استفاده کرد اما او در عین حال هدفی محدود مشخص کرد که عقب نشاندن متجاوزان از کویت و تغییر ندادن حکومت در عراق بود. ابزارهای استفاده‌شده با اهداف تعیین‌شده در تناسب بودند. قیاس‌ها همواره مورد استفاده خواهند بود اما باید بازتاب‌دهنده‌ی درس‌های واقعی باشند.

ما در امریکا هیچ‌گاه درباره‌ی درس‌های جنگ عراق به طور جدی به بحث نپرداخته‌ایم. منتقدان جنگ اصلا حاضر نیستند بپذیرند که موضوعی برای بحث وجود دارد.

وجود دارد اما هیچ اجماعی بر سر چگونگی آن به چشم نمی‌خورد، نمی‌توانیم در برابر میراث عراق و درس‌های آن، سر خود را زیر برف فرو کنیم. روبرو شدن با آن و داشتن یک بحث آزاد در این باره، خصوصاً در سال انتخابات، ممکن است به دستیابی به یک استراتژی مناسب منجر شود. همچنین می‌تواند به آنان در منطقه و خارج از آن این پیام را بدهد که ما دیگر در وحشت از میراث عراق به سر نمی‌بریم.

* "دنيس راس"، نویسنده، دیپلمات ارشد پیشین امریکایی و "محقق برجسته" در "موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک" است. نسخه‌ی انگلیسی این یادداشت روز ۱۰ ژانویه ۲۰۱۶ (۲۰ دی ۱۳۹۴) در مجله‌ی "پولیتیکو" منتشر شد.

ترجمه فارسی از سیاوش صفوی / مرکز بین‌المللی مطالعات لیبرالیسم

قطعا حتی این دستورالعمل‌ها نیز باید بر اساس سوالات دشواری تهیه شود که ما در هر مورد درباره‌ی منافع‌مان و نیاز به اقدام یا روش‌های اقدام می‌پرسیم. طبیعتاً اینکه متحدان محلی ما در منازعات خاورمیانه مسوولیت و نقش اصلی را بپذیرند نه تنها مطلوب که امری ضروری است. رییس‌جمهور اوباما در این باره حق دارد اما ما نیز باید بدانیم که چه کسی در کجا خواهد جنگید، انگیزه‌ی آنان چه خواهد بود، از ما چه خواهند خواست، آیا آن‌ها معتقدند ما به آنان وفادار خواهیم بود یا نه، آیا ما یا دیگران توان اعمال قدرت بر آنان را داریم یا نه. در هر مورد، ما باید طیف گزینه‌های نظامی خود را ارزیابی کنیم. باید مراقب آنچه پنتاگون ماموریت خزنده می‌نامد باشیم. اگر مانند جرج بوش پدر از آغاز، اهداف خود را به وضوح تعریف کنیم و از تناسب ابزارهای اقدام خود با آن اهداف مطمئن شویم، به احتمال زیاد دچار چنین اشتباهاتی نخواهیم شد. در دورانی که اجماع عمومی برای مبارزه با داعش



هنوز در جنگ جهانی چهارم به سر می‌بریم



الیوت کوهن

این موضوع خوشایندی نیست که برای کودکانمان توضیح بدهیم نه تنها ما در جنگ هستیم، بلکه آنان نیز در جنگ خواهند بود. اما به‌ویژه در حال حاضر که رفتار منطقی و بالغ در محیط دانشگاه‌ها کمتر به چشم می‌خورد، این وظیفه‌ی مهم بر عهده‌ی ما است که برخی حقایق ناگوار را با فرزندانمان در میان بگذاریم. و یکی دیگر از این حقایق این است که دشمنان حقیقی ما، آن‌ها که واقعا قصد دارند ما را بکشند و تمدن ما را نابود کنند، در کتاب‌های داستان پیدا نمی‌شوند. رهبران غربی توانسته‌اند چهارده سال از این حقایق اجتناب کنند، و هنوز به این کار ادامه می‌دهند.

کمتر از دو ماه بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، من در مقاله‌ای در وال‌استریت ژورنال، از این رویارویی به عنوان «جنگ جهانی چهارم» نام بردم. نکته‌ی اصلی آن مقاله این بود:

«جنگ سرد در واقع جنگ جهانی سوم بود، و به ما یادآوری کرد که تمام منازعات جهانی موجب جابجایی ارتش‌های میلیونی نمی‌شوند، یا نمی‌توان خط مقدم جبهه را بر روی نقشه مشخص کرد. اما جنگ سرد برخی ویژگی‌های کلیدی جنگ جهانی را دارا است: یکی اینکه در واقع امری جهانی است؛ دیگر اینکه تلفیقی از خشونت و عدم خشونت را شامل می‌شود؛ نیازمند به کارگیری مهارت‌ها، تخصص، و منابع است، هرچند که از سربازان کثیری استفاده نمی‌شود؛ و این که ممکن است برای زمانی طولانی ادامه پیدا کند؛ و در نهایت، ریشه‌های ایدئولوژیک دارد.» ه خاطر اختراع عنوان «جنگ جهانی چهارم» به من حملات زیادی شد، و هم‌چنین به خاطر انتقاداتم از دشمنان اسلام‌گرا، که از نظر منتقدان به گونه‌ای بود که گویی آن‌ها «نسخه‌های واقعی لرد ولدمورت در هری پاتر، سارون در ارباب حلقه‌ها، یا جادوگر سفید در نارنیا هستند»، یعنی بدکارانی بی‌نام که فقط به خاطر بد-بودن‌شان بدی می‌کنند.



و مبارزان داعش کماکان
«مرگ‌خواران لرد ولدمورت»
نیستند. زمان آن رسیده که
غرب چند حقیقت ناخوشایند را
بپذیرد



اما متأسفانه ما هنوز چنین رفتارهای مصلحانه‌ای را از سوی رهبرانی چون جرمی کوربین و باراک اوباما مشاهده می‌کنیم، و این امر باعث می‌شود نتوانیم به درستی درک کنیم که با چه دشمنی در حال مبارزه هستیم.

فرانسوی‌ها که برای بار دوم و این بار شدیدتر از قبل توسط اسلام‌گرایان مورد حمله قرار گرفته‌اند، دیگر از عنوان جنگ کمتر فرار می‌کنند. پس ماجرا این‌گونه تلقی می‌شود: افرادی صرفاً خلاف کار که برای کسب منفعت غیرقانونی یا براساس سادیسم احماقانه دست به اقدام می‌زنند.

درست است که «حکومت اسلامی» (داعش) دست به سرقت و باج‌گیری می‌زند، و نیز رفتاری کاملاً سادیستی دارد، اما نه تنها احمق نیست، بلکه کاملاً هدف‌دار و هوشمند است. این قاتلان و بمب‌گذاران انتحاری افراد باشهامتی هستند؛ به خوبی سازماندهی شده و تعلیم دیده‌اند؛ آنان یک هدف سیاسی واقعی را مد نظر دارند؛ حتی اگر این هدف از دید ما دیوانه‌وار باشد. اگر یادمان باشد اهداف مائو نیز همین‌طور به نظر می‌رسید، و امروزه رهبران غربی هنگام سفر به چین با خود شیرینی به تصویر او لبخند می‌زنند.

وقتی رهبران ما می‌گویند که اسلام‌گرایان «محدود» شده‌اند یا در حال «شکست خوردن» هستند، در واقع خودشان و ما را فریب می‌دهند. موضوع کاملاً وارونه است: هنگامی که نویسندگان و روزنامه‌نگاران اروپایی خود را سانسور می‌کنند، زمانی که سیاستمداران برای محکوم کردن «اسلاموفوبیا» به تقلا می‌کشند، می‌افتند، و حتی کنترل بخش‌هایی از شهرهایشان را در اختیار افرادی می‌گذارند که قوانین و حقوق غربی را قبول ندارند، در این شرایط این اسلام‌گرایان هستند که پیروز می‌شوند. یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های دولت در هفت سال اخیر، تداوم دست‌کم گرفتن دشمن تا اندازه‌ای است که باعث شده اصلاً آن‌ها جدی گرفته نشوند («شکست استراتژیک دشمن نزدیک است»، «داعش یک گروه دسته‌چندم است»، «آن‌ها را محدود کرده‌ایم»، و طبق معمول «در سمت اشتباه تاریخ»). زمانی که القاعده به کنسولگری در بنغازی حمله کرد،

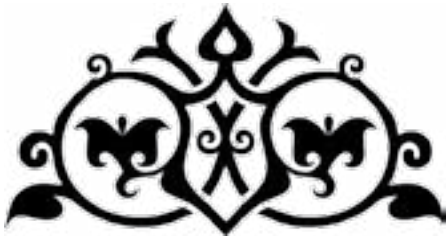
شاید کاخ سفید واقعا فکر می‌کرد که این یک اقدام به صورت خودجوش و به دست گروهی از مردم انجام شده است که از دیدن فیلمی که شش ماه قبل ساخته شده بود عصبانی شده‌اند. حماقت استراتژیک عمیقی که در بطن این ادعای کاخ سفید قرار دارد، از نظریه‌ی جایگزین آن که دروغ گفتن مقامات برای جلوگیری از آبروریزی بود به مراتب شرم‌آورتر است.

اما دولت آمریکا در این امر تنها نیست. وزیر کشور بریتانیا - که طبعاً یک محافظه‌کار است - اعلام کرده که «این حملات {در پاریس} هیچ ربطی به اسلام ندارند». این حرف بی‌معنی است. این حملات قطعاً با اسلام ارتباط دارند. البته آن‌ها قطعاً با یک وجه خشن، قیامت‌طلب، و خوشبختانه بسیار کوچک از اسلام در ارتباط هستند، اما در هر حال نام آن نیز اسلام است.

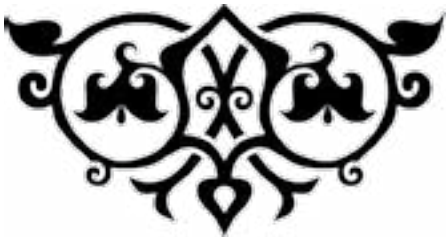
برخلاف آن‌چه رییس‌جمهور اوباما و تیمش ادعا کرده‌اند، دشمن به خوبی در حال پیشبرد کارهای خود است. جنگ داخلی سوریه فضای کافی را برای تعلیم هزاران داوطلب جهادی به وجود آورده است؛ اردوگاه‌های پناهندگان که در آن‌ها صدها هزار آواره و آزار دیده به همراه کودکانی که دچار آسیب‌های روحی شده‌اند زندگی می‌کنند، برکه‌هایی مناسب برای صید داوطلبان آینده هستند.

تمدن غرب هنوز نمی‌تواند حقایق دشوار جنگ را بپذیرد و در عوض از حرکات نمادین بی‌فایده استفاده می‌کند. این کار با «من چارلی هستم» آغاز شد و اکنون به نورپردازی ساختمان‌ها به رنگ‌های پرچم فرانسه رسیده است. این قطعاً کار زیبایی است، اما زیبایی در جنگ پیروز نمی‌شود. برای مبارزه در این جنگ به چه نیاز داریم؟ بیایید با استقامت شروع کنیم: این جنگ احتمالاً تا پایان عمر من ادامه خواهد داشت و تا مدت‌ها در زندگی فرزندانم نیز خواهد بود. این یک واقعیت تلخ است، اما خوش‌مان بیاید یا نه یک واقعیت است. سیاستمداران باید توضیح دهند که خطر تا چه اندازه است. اوباما ممکن است در کوچک‌ترین حد ممکن حق داشته باشد وقتی که می‌گوید داعش برای ما یک «خطر ماهیتی» نیست، اما فعالیت‌های آن می‌تواند

سیاست‌های ما را از مسیر خارج کند و در نقاطی از دنیا که برای ما بسیار مهم هستند هرج و مرج به وجود بیاورد. اگر آن‌ها زمانی به سلاح کشتار جمعی دست پیدا کنند (که به دنبال آن هستند)، خواهند توانست به جای صدها نفر، ده‌ها هزار نفر را قتل‌عام کنند.



تمدن غرب هنوز نمی‌تواند حقایق دشوار جنگ را بپذیرد و در عوض از حرکات نمادین بی‌فایده استفاده می‌کند. این کار با «من چارلی هستم» آغاز شد و اکنون به نورپردازی ساختمان‌ها به رنگ‌های پرچم فرانسه رسیده است. این قطعا کار زیبایی است، اما زیبایی در جنگ پیروز نمی‌شود



ما مجبوریم که ایدئولوژی یا ایدئولوژی‌های دشمنان‌مان را درک کنیم. داعش ممکن است برآمده از القاعده باشد، اما راهکارهای آن، وحشی‌گری ویژه‌ی روش‌هایش، عدم پرهیزش از کشتن مسلمانان، و دیدگاه استراتژیک کلی آن با القاعده تفاوت دارد. تا زمانی که مقامات دولتی نتوانند درباره‌ی این موضوعات آزادانه بحث کنند، ما محکوم به همان استراتژی خواهیم بود که عمدتاً بر بمباران آرام‌بخش تاکید دارد؛ دارویی که خارش را برطرف می‌کند اما زخم عفونت‌کرده را به حال خود می‌گذارد.

در نهایت، ما باید گفتار غیرمستقیم و پیچیده‌گویی را کنار بگذاریم. «تندروهای خشن» همان اسلام‌گرایان هستند. ما قصد نداریم «درباره‌ی آن‌ها عدالت را اجرا کنیم»، یا «از صحنه‌ی نبرد بیرون کنیم». ما قصد اسارت یا کشتن آنان را داریم.

اگر چه این درست است که نمی‌توان با کشتار خود را از شر شورش خلاص کرد، ما مجبور خواهیم بود برای شکستن کمر داعش و گروه‌های همکار آن افراد زیادی را بکشیم؛ شاید هزاران نفر را.

برای رسیدن به این هدف به برنامه‌ای بلندمدت نیاز داریم که مقصودش نه «محدود کردن» بلکه درهم شکستن آنان باشد. کاملاً واضح است که دولت چنین برنامه‌ای ندارد، اما اگر چنین برنامه‌ای هم وجود داشته باشد آشکارا در حال شکست خوردن است.

این یک فرآیند طولانی، خونین، و پرهزینه خواهد بود؛ این تنها روش زندگی ما از قبیل کنسرت‌های راک یا فروش الکل در رستوران‌ها نیست که در معرض خطر قرار دارد، بلکه حقوق بنیادین آزادی بیان و عقیده و مذهب، برابری زنان، و مهم‌تر از همه آزادی از وحشت و آزادی اندیشه است که در خطر قرار دارند.

منتقدان من در اشتباه بودند. سال ۲۰۰۱ جنگ جهانی چهارم بود. اکنون نیز جنگ جهانی چهارم است. و به احتمال قوی تا مدت‌ها پس از من و آنان نیز جنگ جهانی چهارم خواهد بود. اگر می‌خواهیم فرزندان‌مان یا فرزندان فرزندان‌مان درگیر چنین جنگی نباشند، باید از هم‌اکنون گفتن حقیقت به آنان را آغاز کنیم.

* الیوت کوهن (Eliot Cohen) استاد و مدیر برنامه مطالعات استراتژیک در "مدرسه مطالعات پیشرفته بین‌المللی پال ایچ. نیتس" (شاخه‌ای از دانشگاه جان هاپکینز در واشنگتن دی.سی) با تخصص ویژه در مسائل خاورمیانه و خلیج فارس است. او به عنوان مشاور وزیر خارجه آمریکا در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ فعالیت می‌کرده است. نسخه‌ی انگلیسی این یادداشت در وب‌سایت "امریکن اینترست" منتشر شده است.

شکوفایی یک فرهنگ لیبرال عرب در شهر اسرائیلی حیفا



عرب‌ها یک‌پنجم جمعیت هشت میلیونی اسرائیل را تشکیل می‌دهند، و در سال‌های اخیر، هم‌چون هم‌قطاران خود در شرق اورشلیم، کرانه باختری، و نوار غزه، در ابراز هویت فلسطینی خود راسخ‌تر بوده‌اند.

اما زندگی اجتماعی سکولار آنان در حیفا نقطه مقابل دیدگاه سنتی بسیاری از اجتماعات عرب اسرائیل است که رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج را یک تابو می‌داند؛ مرد و زن مجرد به ندرت با هم قرار ملاقات می‌گذارند و معمولاً در سنین پایین با شخصی که مادران‌شان انتخاب کرده ازدواج می‌کنند.

لیبرالیسم نسبی حیفا محصول سنت جهان‌وطنی منحصر به فرد آن است. برای جوانان، خروج از این شهر که در دامنه‌ی ساحلی یک کوه بنا شده کار ساده‌ای است. این شهر ۲۸۰ هزار نفری که زمانی شهر طبقه‌ی کارگر محسوب می‌شد، دارای چندین دانشگاه است و تنوع قومی خود را پذیرفته است. ۳۰ هزار ساکن عرب این شهر که عمدتاً در سواحل دریای آن زندگی می‌کنند (یهودیان عموماً در نقاط کوهستانی شهر هستند) حدود ۱۰ درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهند؛ نیمی از اعراب حیفا، مسلمان و نیم دیگر مسیحی‌اند و به طور کلی از اعراب نقاط دیگر اسرائیل متمول‌تر و تحصیل‌کرده‌تر هستند.

این ویژگی، حیفا را به محلی امن برای فلسطینیان لیبرالی تبدیل کرده که می‌خواهند از محدودیت‌های اجتماعات سنتی عرب بگریزند، ولی در عین حال دوست دارند در میان اعراب زندگی کنند.

«فیده حمود» ۳۲ ساله می‌گوید: «وقتی شما در یک محله‌ی عرب زندگی می‌کنید، به اجتماع‌تان تعلق دارید. اما اگر در محله‌ی یهودی زندگی کنید یک غریبه هستید، و این به عنوان یک زن عرب به شما آزادی می‌دهد. در اینجا زوج‌های ازدواج‌نکرده‌ی بسیاری وجود دارند، و زنان مسن‌تری که تنها زندگی می‌کنند، اما حرفی پشت سرشان زده نمی‌شود که آزارشان بدهد.» خانم حمود در سال ۲۰۱۱ پس از تحصیل در رشته‌ی گفتاردرمانی در بارسلونای اسپانیا به حیفا آمد و اکنون به همراه شریک زندگی‌اش در محله‌ای یهودی زندگی می‌کند

در بار «لیکا» واقع در محله‌ی «حیدر» شهر بندری حیفا در اسرائیل، یک خانم روانشناس سیگار خود را می‌پیچد و با پدرش که هنرپیشه‌ای معروف در اسرائیل است قهوه صرف می‌کند. متصدی بار برای دو خانم که تازه وارد شده‌اند دو لیوان بلند آبجو می‌آورد. در نزدیکی آن‌ها، یک زن ۲۲ ساله که قسمتی از موهای خود را تراشیده خالکوبی‌های رنگارنگی دارد به کار با لپ‌تاپ خود مشغول است.

آنان در میان جمع بسیاری از مردان و زنانی که مدل‌های موی خاص یا خالکوبی و حلقه‌های مختلف دارند نشسته‌اند. این بخشی از فضای اجتماعی حیفا است که جمع‌های هنرمندان تل‌آویو را برای بیننده تداعی می‌کند. اما در اینجا این «بچه‌های باحال» همه فلسطینی هستند، و محیط عربی خودآگاهی را به وجود آورده‌اند که سکولار، فمینیست، و حامی همجنس‌گرایان است.

«اصیل ابو ورده»، یک روانشناس رفتاری که از مشتریان دائم بار است می‌گوید: «حیفا مرکز اعراب است، مانند تل‌آویو که مرکز یهودیان محسوب می‌شود. در اینجا یک جنبش فرهنگی در جریان است؛ یک جنبش جوانان؛ در اینجا نوعی آزادی وجود دارد.» او اضافه می‌کند: ما برای خود میهمانی برگزار می‌کنیم. پاتوق‌ها و دیسکوهای خودمان را داریم. می‌رقصیم، مشروب می‌خوریم، و همه این کارها را به عربی انجام می‌دهیم. تمام این‌ها از حیفا شروع شد.»

و در آنجا صاحب کافه‌ای به نام "رای" است. او می‌گوید: «من این کار را هیچ جای دیگر نمی‌توانستم انجام دهم.»

"عاید فیصل" مدیر بار "کبریت" است؛ یک بار در داخل کوچه‌ای که به یک جاده‌ی صنعتی چهار بان‌دی وصل می‌شود. او بار منحصر به فرد خود را با دیوارهای قرمز و پوست‌های فیلم‌های قدیمی عربی‌اش، محیطی امن می‌داند که در آن مردم می‌توانند واقعا خودشان باشند.

آقای "فیصل" می‌گوید: «ما می‌خواهیم یک زوج همجنس‌گرا بتوانند اینجا برقصند و یکدیگر را ببوسند و کسی به آن‌ها بد نگاه نکند. این جامعه‌ی فلسطینی است که ما به دنبالش هستیم.»

چنین جامعه‌ای اواخر سال قبل دیده شد؛ زمانی که بعضی از بارها و کافه‌های حیفا، فیلم‌های اولین فستیوال همجنس‌گرایان فلسطینی با عنوان "کوز کویر" را به نمایش گذاشتند. همچنین "دارالرعايا"، کافه‌ای که به عنوان یک انتشارات نیز فعالیت می‌کند، به تازگی "کتاب هوس" را منتشر کرد که یکی از اولین کتاب‌های ادبیات اروتیک مدرن نوشته‌ی نویسندگان فلسطینی محسوب می‌شود.

"مصطفی کبها"، استاد تاریخ فلسطینی در دانشگاه آزاد اسرائیل می‌گوید: «برای برخی افراد، شکوفایی اجتماع فلسطینی در حیفا یادآور دوران حکومت بریتانیا در این شهر است؛ زمانی که یک فرهنگ عربی سرزنده در حال رشد و شکوفایی بود. بیشتر آن رشد در سال ۱۹۴۸ متوقف شد، زمانی که اعراب فرار کردند یا مجبور به ترک منازل‌شان در بسیاری از شهرها از جمله حیفا شدند.»

به گفته‌ی وی، «حیفا در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ دارای کافه‌ها، کلاب‌ها، هتل‌ها، تئاترها و روزنامه‌های مختلفی برای عرب‌ها بود. مانند کافه "شام" که در آن کارگران سوری و لبنانی با هم دیدار می‌کردند، و کافه "بندر"، برای کارگران بندر شلوغ شهر.

"بشار مورکوس" که به تازگی "تئاتر کاشابی" را در مکان یک انبار قدیمی متعلق به تاجری عرب و در محله‌ی

صنعتی و ساحلی بازگشایی کرده می‌گوید: "آدم حس می‌کند که شهر در حال بازگشت به یک هم‌آهنگی و توازن طبیعی است؛ شما در یک خانه‌ی عربی قدیمی صدای صحبت به زبان عربی می‌شنوید.»

رسانس عربی لیبرال در حیفا با آغاز به کار رستوران فلسطینی "فاتوس" در سال ۱۹۹۸ آغاز شد. این رستوران که میزبان مناظره‌های فرهنگی و نمایشگاه‌های هنری هم بود، در ابتدا برای جامعه‌ی عرب سنتی مایه ننگ بود چون در آن زنان و مردان آشکارا مشروب می‌نوشیدند و با هم گرم می‌گرفتند. امروزه این رستوران مکان توریستی معروفی در خیابان اصلی حیفا، یعنی بولوار "بن‌گوریون" است.

از آن سال تاکنون کسب و کارهای بیشتری با مالکیت عرب‌ها در این خیابان به راه افتاده است و اکثر آن‌ها با تابلوهایی به چند زبان عربی، انگلیسی و گاه عبری از مشتریان استقبال می‌کنند. خیلی از این بارها و کافه‌ها و رستوران‌ها در این آخر هفته مملو از جمعیت بودند و زوج‌های عرب در پیاده‌روهای شلوغ آراسته به چراغ‌های کریسمس قدم می‌زدند.

کمی بالاتر در بار "الیکا"، "سامر عساکله" مشغول معاشرت با همکارش است. آهنگی عربی درباره‌ی ماریجوانا کشیدن از بلندگوها پخش می‌شود؛ و پوست‌های روی دیوار نیز کنسرتی از یک گروه موسیقی سبک "اسکا" به نام "توت ارض" را تبلیغ می‌کند.

آقای عساکله ۲۳ ساله که موهای بلندش را بالای سرش بسته می‌گوید: «مردم حیفا، خصوصا در این کافه‌ها، در حال انقلاب هستند.» او که از خانه‌اش در روستای "موقر" شهر "الجلیل" به اینجا آمده تا در رشته‌ی مدیریت تحصیل کند، در ابتدا از رفتار آزادانه و از دید او "بی‌بندوبار" مردم حیفا متعجب شده بود. وی می‌گوید که پیش از آمدن به اینجا در سال ۲۰۱۱ با هیچ شخصی که خودش را همجنس‌گرا معرفی کند برخورد نداشته، و در ابتدا پس از ورود زوج‌های همجنس‌گرا از مهمانی‌ها خارج می‌شده چون با همجنس‌گرایی مخالف بود. عساکله با تاکید بر این که نسبت به آن زمان، "ترم" شده است، ادامه می‌دهد:

دارد و به این حزب این امکان را می‌دهد تا رییس جمهور جدید را انتخاب کند.

این انتخاب در پایان ماه مارس صورت خواهد گرفت و به ۱۵ سال ریاست جمهوری "تین سین"، رییس جمهور مورد حمایت ژنرال‌ها پایان خواهد داد.

در این میان، بندی در قانون اساسی میانمار وجود دارد که مانع ریاست جمهوری آننگ سان سوچی می‌شود. این بند که به نظر می‌رسد به طور مشخص خانم سوچی را هدف قرار داده، افرادی را که بستگان درجه یک‌شان تابعیت خارجی دارند از نشستن بر مسند ریاست جمهوری منع می‌کند.

این سیاستمدار محبوب در میانمار که بیش از ۱۵ سال را در فاصله‌ی جولای ۱۹۸۹ تا نوامبر ۲۰۱۰ در حصر خانگی به سر برده دارای دو فرزند با تابعیت بریتانیایی از همسر سابقش است.

با وجود این ممنوعیت او آشکارا گفته که قصد دارد بالاتر از ریاست جمهور آینده، کشور را هدایت کند.

هنوز نام فرد مورد حمایت آننگ سان سوچی و حزبش برای این سمت مشخص نشده است و برخی این احتمال را می‌دهند که وی در دو ماه آینده در یک معامله با ارتش، راه ریاست جمهوری خود از طریق تغییر قانون اساسی را هموار کند.

حزب "لیگ ملی برای دموکراسی" در نزدیک به ۲۰ سال گذشته از سوی ژنرال‌ها به عنوان "دشمن" کشور شناخته می‌شد و بسیاری از اعضای آن سرکوب شده و زندانی بوده‌اند.

خانم سوچی در هنگام ورود به پارلمان در روز دوشنبه از گفتگو با خبرنگاران خودداری کرد اما شماری دیگر از اعضای حزب تحت رهبری او در اظهارنظرهایی به خبرگزاری‌ها گفته‌اند که برای برقراری کامل دموکراسی، حقوق بشر، و صلح در میانمار تلاش می‌کنند. هم‌چنین، همان‌گونه که انتظار می‌رفت، "او وین مینت" از اعضای مصمم "لیگ ملی برای دموکراسی" به عنوان

"من موافق آزادی مردم هستم. آزادی اجتماعی، و شخصی یا فردی؛ و شما نمی‌توانید آن‌ها را از هم جدا کنید. شما نمی‌توانید افراد هم‌جنس‌گرا را نپذیرید. من به آزادی برای مردم فلسطین معتقد هستم، پس ما باید از آزادی‌های فردی نیز دفاع کنیم."

نسخه‌ی انگلیسی این گزارش روز ۴ ژانویه ۲۰۱۶ (۱۴ دی ۱۳۹۴) در روزنامه‌ی "نیویورک تایمز" منتشر شد.

ترجمه فارسی از سیاوش صفوی / مرکز بین‌المللی مطالعات لیبرالیسم

آغاز به کار اولین پارلمان میانمار بعد از شکست ژنرال‌ها؛ "سوچی" خود را برای رهبری کشور آماده می‌کند



اولین پارلمان برآمده از یک انتخابات آزاد در میانمار در ۵۰ سال گذشته، روز دوشنبه (۱ فوریه-۱۲ بهمن) کار خود را آغاز کرد.

۳۹۰ عضو از ۶۶۴ عضو دو مجلس عوام و اعیان میانمار در اختیار حزب "لیگ ملی برای دموکراسی" (NLD) به رهبری آننگ سان سوچی است و احزاب کوچک‌تر نیز مجموعاً حدود ۱۰۰ عضو را در دو مجلس در اختیار دارند.

هرچند که بر اساس قانون اساسی، یک چهارم اعضای پارلمان (۵۶ نفر در مجلس اعیان و ۱۱۰ نفر در مجلس عوام) توسط ارتش منصوب می‌شوند با این وجود حزب "لیگ ملی برای دموکراسی" اکثریت را در هر دو مجلس در اختیار

برای بازوی مالی "حزب‌الله لبنان" متهم کرده است. این شهروند لبنانی از سوی ایالات متحده با عنوان "تروریست بین‌المللی ویژه" توصیف شده است.

او هفته‌ی گذشته به همراه حمید ظاهرالدین، یک لبنانی دیگر متهم به پول‌شویی برای "حزب‌الله" تحت تحریم وزارت خزانه‌داری امریکا قرار گرفته بود.

اداره مبارزه با مواد مخدر امریکا در عین حال تاکید کرده که تحقیقات این اداره «یک بار دیگر رابطه خطرناک جهانی میان قاچاق مواد مخدر و تروریسم را برجسته می‌سازد».

بر اساس بیانیه‌ی این اداره، شبکه‌ی تروریستی "حزب‌الله" در هم‌کاری با کارتل‌های قاچاق مواد مخدر در امریکای جنوبی، در تسهیل انتقال میلیون‌ها دلار کوکائین به امریکا و اروپا نقش داشته است.

در این تحقیقات که یک سال قبل یعنی در فوریه ۲۰۱۵ آغاز شد، هفت کشور از جمله فرانسه، بلژیک، آلمان، و ایتالیا شرکت داشتند. در این میان شبکه‌ی خبری سی.ان.ان شمار بازداشت‌شدگان را ۴ نفر اعلام کرده و نوشته احتمال بازداشت افراد بیشتری وجود دارد.

آن‌گونه که سخنگوی "دی.ای.ای" به این شبکه گفته، پول‌شویی این شبکه از طریق خرید و فروش اتومبیل‌های مدل بالای کار کرده انجام می‌گرفته و در مواردی پول‌ها در داخل اتومبیل‌ها پنهان، و حمل و نقل می‌شده است.

اتهامات تازه دولت امریکا به "حزب‌الله لبنان" در حالی صورت می‌گیرد که هزاران نفر از اعضای این گروه شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، در حال جنگ در سوریه به نفع رژیم بشار اسد هستند.

"مت لویت"، کارشناس تروریسم در "موسسه واشنگتن برای خاور نزدیک" درباره‌ی چرایی متوسل شدن "حزب‌الله" به درآمد حاصل از قاچاق مواد مخدر به "سی.ان.ان" می‌گوید: «حزب‌الله در نتیجه‌ی دفاع همه‌جانبه از رژیم اسد با

رییس پارلمان انتخاب شد. کاندیدای حزب "اتحادیه همبستگی و توسعه" که مورد حمایت ارتش است نیز به مقام نایب‌ریسی رسید.

ژنرال‌ها که برای نیم قرن کنترل میانمار را در اختیار داشتند، بعد از تحریم‌های شدید بین‌المللی علیه این کشور ناچار شدند که راه را برای اصلاحات سیاسی و اقتصادی در میانمار باز کنند. این اصلاحات، با آزادی آنگ سان سوچی و زندانیان سیاسی در سال ۲۰۱۰ آغاز شد و با برگزاری انتخاباتی آزاد در نوامبر ۲۰۱۵، وارد فاز تازه‌ای گردید.

عکس، آنگ سان سوچی را در اولین جلسه‌ی پارلمان تازه در روز دوشنبه نشان می‌دهد.

اعضای شبکه پول‌شویی و قاچاق مواد مخدر حزب‌الله لبنان بازداشت شدند



اداره مبارزه با مواد مخدر امریکا (DEA) روز دوشنبه (۱ فوریه-۱۲ بهمن) اعلام کرد که شماری از اعضای سازمان شبه‌نظامی "حزب‌الله لبنان" را به اتهام فروش مواد مخدر در امریکا و اروپا و استفاده از میلیون‌ها دلار پول حاصل از آن برای خرید سلاح و عملیات ترویستی در سوریه و لبنان بازداشت کرده است.

آن‌گونه که در بیانیه "دی.ای.ای" آمده، بازداشت‌شدگان شامل رهبران سلول اروپایی این شبکه قاچاق مواد مخدر، هفته‌ی گذشته به زندان منتقل شده‌اند. این بیانیه بدون اشاره به تعداد افراد بازداشت‌شده، یکی از آن‌ها را "محمد نورالدین" معرفی و وی را به پول‌شویی

سایر کشورهای غربی نیز با امتیازهای بالای ۹۰ در دسته‌ی "آزاد" جای گرفته‌اند که از جمله می‌توان به کانادا و هلند (۹۹)، دانمارک، استرالیا و نیوزلند (۹۸)، سوئیس و بلژیک (۹۶)، آلمان و اتریش و بریتانیا (۹۵)، فرانسه (۹۱)، و امریکا (۹۰) اشاره کرد.

در بین کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا (منا)، اسرائیل و تونس به ترتیب با امتیازهای ۸۰ و ۷۹، تنها کشورهای هستند که در میان کشورهای "آزاد" جای دارند.

پاکستان، ترکیه، کویت و ارمنستان نیز چهار کشور در همسایگی ایران هستند که در بین کشورهای "تا حدی آزاد" قرار گرفته‌اند.

در این منطقه، لبنان (۴۳)، اردن (۳۶)، کرانه باختری (۳۰)، عراق (۲۷)، قطر (۲۷)، مصر (۲۷)، عمان (۲۵)، افغانستان (۲۴)، امارات متحده عربی (۲۰)، و لیبی (۲۰) بالاتر از ایران ایستاده‌اند و عربستان (۱۰) و سوریه (-۱) "غیرآزاد" تر از ایران شناخته شده‌اند.

"خانه آزادی" هم‌چنین چین و روسیه، دو کشور قدرتمند جهان را با امتیازهای ۱۶ و ۲۲ در بین کشورهای "غیرآزاد" دسته‌بندی کرده است.

ایران نیز در حالی امتیاز کلی ۱۷ از ۱۰۰ را به دست آورده که در بخش آزادی‌های سیاسی امتیاز ۶ از ۴۰، و در بخش آزادی‌های اجتماعی، امتیاز ۶ از ۶۰ کسب کرده است.

"خانه آزادی" با قرار دادن ایران در میان کشورهای "تا حدی آزاد"، و "غیرآزاد" تقسیم کرده که در این میان، ۸۶ کشور (۴۴ درصد) در دسته‌ی "آزاد"، ۵۹ کشور (۳۰ درصد) در دسته‌ی "تا حدی آزاد"، و ۵۰ کشور (۲۶ درصد) نیز در دسته‌ی "غیرآزاد" قرار گرفته‌اند.

گفتنی است ایران در گزارش سال قبل "خانه آزادی" نیز امتیاز و جایگاه مشابهی کسب کرده بود.

کمبود نیرو، بودجه، و منابع نظامی مواجه شده است. در این میان، کاهش قیمت نفت نیز دولت ایران را در ادامه‌ی حمایت از این گروه دچار مشکل کرده است.

آقای لویت تاکید می‌کند که یکی از عوامل انگیزشی اصلی علاقه‌ی "حزب‌الله" به فعالیت‌های مجرمانه، تلاش این سازمان برای "کاهش وابستگی" به رژیم ایران است.

"حزب‌الله" که از سوی وزارت خارجه ایالات متحده به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته می‌شود، تنها در جریان بمب‌گذاری در مقر تفنگداران دریایی امریکا در بیروت در سال ۱۹۸۳، باعث کشتن ۲۴۱ امریکایی شده است.

نقشه آزادی جهان در سال ۲۰۱۶ منتشر شد؛ ایران در میان ۵۰ کشور غیرآزاد جهان

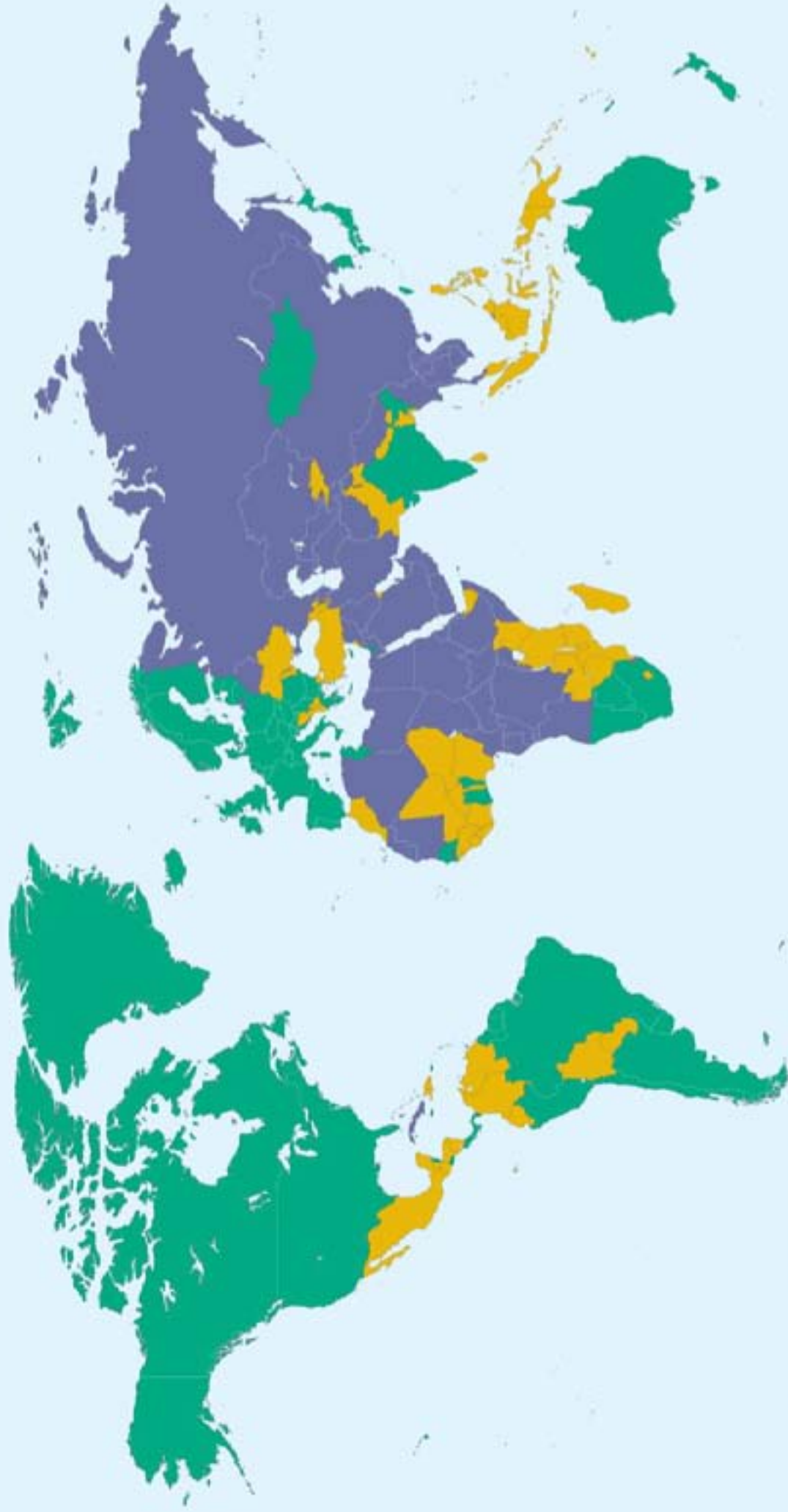
"خانه آزادی" (Freedom House) سازمان غیردولتی مستقر در واشنگتن، روز چهارشنبه (۲۷ ژانویه-۷ بهمن) گزارش سالانه‌ی خود از وضعیت آزادی و دموکراسی در جهان را منتشر کرد که براساس آن، ایران با امتیاز ۱۷ از ۱۰۰ امتیاز ممکن، در میان ۵۰ کشور غیرآزاد جهان قرار دارد.

"خانه آزادی" در گزارش امسال نیز هم‌چون سال‌های قبل، ۱۹۵ کشور جهان را به سه دسته‌ی "آزاد"، "تا حدی آزاد"، و "غیرآزاد" تقسیم کرده که در این میان، ۸۶ کشور (۴۴ درصد) در دسته‌ی "آزاد"، ۵۹ کشور (۳۰ درصد) در دسته‌ی "تا حدی آزاد"، و ۵۰ کشور (۲۶ درصد) نیز در دسته‌ی "غیرآزاد" قرار گرفته‌اند.

در میان کشورهای آزاد، پنج کشور فنلاند، نروژ، سوئد، ایسلند و سن‌مارینو با امتیاز ۱۰۰ در صدر آزادترین کشورهای ایستاده‌اند.

FREEDOM IN THE WORLD 2016

freedomhouse.org



Freedom in the World 2016 Findings

The Map of Freedom reflects the findings of Freedom in the World 2016, which rates the level of political rights and civil liberties in 203 countries and territories during 2015. Based on these ratings, each country or territory is designated as **Free**, **Partly Free**, or **Not Free**.

A Free country has broad scope for open political competition and a climate of respect for civil liberties. Partly Free countries have some restrictions on political rights and civil liberties, as a free country, but basic political rights and civil liberties are absent or systematically violated.

Freedom Status	Country Breakdown	Population Breakdown
FREE	36 (14%)	2,091,110,000 (47%)
PARTLY FREE	53 (21%)	1,788,330,000 (40%)
NOT FREE	50 (20%)	2,506,310,000 (56%)
Total	139	7,315,864,000



اینفوگرافیک: اعضای باشگاه اتمی جهان

از این تعداد، نزدیک به ۱۴۷۰۰ کلاهک در اختیار روسیه و امریکا است و پس از آنها به ترتیب کشورهای فرانسه، انگلستان، چین، پاکستان، هند، اسرائیل، و کره شمالی قرار دارند.

در فاصله‌ی پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۹۰، در مجموع بیش از ۷۰ هزار کلاهک هسته‌ای در جهان تولید شد.

در اوج جنگ سرد در سال ۱۹۶۷، میزان کلاهک‌های اتمی امریکا به بیشترین میزان خود یعنی ۳۱ هزار و ۲۵۵ کلاهک رسید که این عدد با ۸۴ درصد کاهش، هم‌اکنون به ۷۰۳۸ کلاهک رسیده است.

هیچ اسلحه‌ای روی زمین از نظر قدرت ویران‌گری به سلاح اتمی نزدیک هم نیست. این سلاح‌ها، شرایط بازی ژئوپلیتیک را تغییر می‌دهد و هر حکومتی که آن را در اختیار داشته باشد، می‌تواند مطمئن باشد که احتمال دخالت مستقیم خارجی را به حداقل رسانده است.

بر اساس اطلاعات "مرکز کنترل تسلیحات و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای" در حال حاضر، تنها ۹ کشور در "باشگاه اتمی جهان" عضویت دارند که تعداد کلاهک‌های هسته‌ای آن‌ها در مجموع، ۱۵۷۴۱ عدد برآورد می‌شود.

THE WORLD'S NUCLEAR CLUB



COUNTRY	NUMBER OF NUKES
1. Russia	~7,658
2. United States	~7,038
3. France	~300
4. United Kingdom	215-225
5. China	180-230
6. Pakistan	~130
7. India	100-120
8. Israel	~80
9. North Korea	<20

TOTAL ESTIMATED NUCLEAR WEAPONS: ~15,741

سهام سپاه از تجارت مواد مخدر



مجید محمدی

- ۱) آیا سپاه پاسداران نیازی به انجام این کار دارد؟
- ۲) آیا مانع ایدئولوژیکی در برابر سپاه از این جهت وجود دارد؟
- ۳) آیا سپاه ظرفیتها و امکانات انجام این کار را در صورتی که تصمیم به انجام آن بگیرد داراست؟
- ۴) آیا شواهدی مبنی بر دخالت سپاه در این تجارت وجود دارد یا خیر؟

نیاز سپاه به منابع مالی نظارت‌ناپذیر و بی‌پایان

وقتی حجم مبادلات سالانه‌ی مواد مخدر در ایران میلیاردها دلار است (حدود سه میلیارد دلار به گفته‌ی قائم‌مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، ایرنا ۱۷ دی ۱۳۹۳) و سپاه و بسیج به منابع مالی سرشاری برای پیشبرد برنامه‌های خود در ایران و منطقه نیاز دارند نمی‌توان باور کرد که سپاه و بالاخص سپاه قدس دستی در این تجارت نداشته باشد.

وقتی بخش عمده‌ای از قاچاق کشور در اختیار سپاه و بالاخص سپاه قدس است چگونه می‌توان باور کرد که سپاه خود را از پرسودترین قاچاق یعنی قاچاق مواد مخدر کنار کشیده باشد. چگونه می‌توان باور کرد که این تجارت چند میلیارد دلاری جلوی چشمان سپاهی که همه‌ی کشور را تحت کنترل خود دارد انجام شود بدون اینکه سهمی از آن داشته باشد؟ نمی‌توان باور کرد که بدون چراغ سبز سپاه، مواد مخدر تا این حد به راحتی در اختیار شهروندان ایرانی قرار داشته باشد.



آیا سپاه پاسداران و بالاخص نیروی قدس سپاه در تجارت مواد مخدر دست دارند؟ این پرسشی است که سالها در میان مخالفان و منتقدان جمهوری اسلامی مطرح بوده است. برای پاسخ به این پرسش باید چهار موضوع را روشن کرد



۳) سپاه از مجرای بسیج در تمام محلات کشور شعبه دارد و کنترل تمام کشور حتی کوه‌ها و جنگل‌ها و کویرها در اختیار سپاه است.

شواهد

شواهد متعددی برای اثبات دخالت سپاه در قاچاق مواد مخدر وجود دارد؛ از سخنان مقامات جمهوری اسلامی تا اقدامات دیگر کشورها و از شواهد ارائه‌شده توسط افراد جداشده از سپاه تا اشارات تلویحی به نقش این نهاد یا تکذیب‌ها.

دری نجف آبادی، دادستان وقت کل کشور به صراحت به این امر اعتراف می‌کند: «در صورتی که کشورهای غربی به ادامه چالش با ایران در زمینه انرژی هسته‌ای ادامه دهند ایران نیز می‌تواند اجازه عبور مواد مخدر را البته نه از خاک ایران بلکه از دریا و نقاط دیگر بدهد زیرا دلیلی ندارد که با وجود کشت ده‌ها هزار هکتار تریاک و خشخاش در افغانستان، فقط ما قربانی مبارزه با مواد مخدر باشیم و شهید بدهیم.» (رسالت، ۱۲ مرداد ۱۳۸۷)

چون کشورهای غربی به چالش با جمهوری اسلامی در زمینه‌ی هسته‌ای ادامه دادند طبعاً بنا به گفته‌ی دادستان وقت کل کشور- جمهوری اسلامی باید اجازه‌ی ترافیک مواد مخدر به اروپا را داده باشد.

وزارت خزانهداری آمریکا اعلام کرد نام سرتیپ غلامرضا باغبانی یکی از فرماندهان نیروی قدس سپاه پاسداران ایران به اتهام مشارکت در قاچاق مواد مخدر در فهرست قاچاقچیان مواد مخدر آمریکا قرار گرفته است. (بی‌بی‌سی فارسی، ۱۷ اسفند ۱۳۹۰)

سجاد حق‌پناه از مقامات پیشین حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران به نشریه‌ی تایمز گفته است که قاچاق مواد مخدر در نزد فرماندهان سپاه پاسداران ایران به امری فراگیر تبدیل شده است و شماری از فرماندهان سپاه پاسداران مستقیماً در این قاچاق دست دارند.

در چند سالی که جمهوری اسلامی تحت تحریم بود هیچ یک از فعالیت‌های نظامی جمهوری اسلامی، کمک به اسد و حزب‌الله و حوثی‌ها و دیگر برنامه‌های نظامی حکومت تعطیل نشد و به همان روال سابق ادامه یافت. طبعاً سپاه باید منابعی مستقل از بودجه‌ی مجلس برای تامین برنامه‌های خود داشته باشد که دارد. قاچاق و بالاخص قاچاق مواد مخدر یکی از آنهاست.

مجوز مشروعیت بخش

هم نیروهای چپ در امریکای لاتین و هم اسلام‌گرایان سنی در افغانستان از تجارت مواد مخدر سود می‌برده‌اند. چگونه می‌توان باور کرد که اسلام‌گرایان شیعه که در همان سنت، نفس می‌کشند خود را از این امر دور نگاه داشته باشند؟

همان‌طور که چپ‌های امریکای لاتین قاچاق مواد مخدر به ایالات متحده را راهی برای تخریب امپریالیسم می‌دانستند طبعاً هم‌قطاران شیعه‌ی آنها نیز ابایی برای نابود کردن اروپاییان با چشم روی هم نهادن در ارسال مواد مخدر از افغانستان به اروپا ندارند. مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم از یک سو و حفظ نظام از سوی دیگر تا آنجا برای حکومت اهمیت دارد که برای آنها می‌توان حتی توحید و نماز را تعطیل کرد. اگر چنین باشد چرانتوان مجوز قاچاق مواد مخدر را از علمای شرع گرفت؟ آنها حداقل با تریاک مشکل ندارند و احکام مواد مخدر صنعتی نیز در هیچ حدیثی نیامده است.

ظرفیت‌ها و امکانات سپاه

سپاه سه امکان در اختیار دارد که کار قاچاق هر گونه کالا توسط آن را تسهیل می‌کند:

۱) اسکله‌های غیرمجاز که در اختیار سپاه است و هیچ نهادی بر آن نظارت ندارد؛

۲) امنیت فرودگاه‌های کشور در اختیار سپاه است و سپاه می‌تواند هر کاری در هر فرودگاهی انجام دهد؛

حتی مقامات قضایی تلویحا بدین موضوع اخیر اشاره کرده‌اند: «مطمئناً ترانزیت مواد مخدر با هر شکلی خیانت به بشریت است. هیچ منفعتی و خیری در آن نیست که یک دستگاه آن را انجام دهد و هر کسی کرده باشد و یا چه کسی در فکر این کارها باشد، حتماً برای کشور مضر است و هیچ خیر و برکتی و سودی نخواهیم داشت.» (مصطفی پورمحمدی، رییس سازمان بازرسی کل کشور، تجارت فردا، هفته آخر دی ۱۳۹۱)

سجاد حق‌پناه اضافه کرده که سپاه پاسداران، تریاک افغانستان را در داخل ایران به هرویین و مُرفین تبدیل و در همکاری با باندهای تبهکار به سرتاسر جهان قاچاق می‌کند. مسوول پیشین حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران گفته است که سپاه پاسداران در این قاچاق از لجستیک خاص خود که عبارت است از شرکت‌های کشتیرانی و هواپیمایی استفاده می‌کند و در عمل قدرتی نامحدود دارد. (سایت فارسی رادیوی بین‌المللی فرانسه، ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱)



مدرسه لیبرالی

**بدون دردسر هیچ هدفی
محقق نخواهد شد**

 liberal.school



